

دانش عباسی شهنی

تاریخ مسجد سلیمان

تاریخ تحولات صنعت نفت



تاریخ مسجد سلیمان

«از روزگاران باستان تا امروز»

از
دانش عباسی شهنی

انتشارات هیرمند

۱۳۷۲

این آرخوان فرهنگی را به مردم شریف و پرهیزان
مسجد سلیمان تقدیم می‌کنم.
دانش عباسی شهین

عباسی شهین، دانش
تاریخ مسجد سلیمان از روزگار باستان تا امروزه از نظر عباسی شهین
۱- تهران: خیرمند، ۱۳۷۲
۵۲۲ ص: مصدر، عکس، جدول.
کتابنامه ص ۲۷۲-۲۷۳ و همچنین به صورت زیر نویس
۱- تاریخ مسجد سلیمان
شماره / ۲۱۷۱ DSR
۱۳۷۲

نورمست نویسی بهوش از انتشار



تاریخ مسجد سلیمان

دانش عباسی شهین

خبرنامه‌چی: دفتر ملی معارف

چاپ اول: زمستان ۱۳۷۲

تیراژ: ۳۰۰ نسخه

قیمت و زیاده: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

چاپ: چاپخانه حیدری

مصحف: کریم

خطی: بهروز قاسمی

انتشارات خیرمند، تهران صندوق پستی ۲۵۹-۱۳۱۲۵ تلفنهای ۶۰۱۱۶۶۸۶ و ۶۰۱۱۰۰۷

شابک ۰ - ۶۱ - ۵۵۲۱ - ۹۶۲

ISBN 964-5521-61-0

فهرست

۴۳	امامزاده سید صالح (ع)	۹	مقدمه
۴۵	امامزاده احمد بلد (ع)		موقع جغرافیایی و اوضاع طبیعی مسجد
	بخش دوم: اوضاع تاریخ مسجد	۱۲	سلیمان
۴۷	سلیمان		بخش اول: باستانشناسی و بناهای
	۱- مسجد سلیمان در چهارمطی پانزده هزار	۱۳	مذهبی مسجد سلیمان
۴۷	سال قبل از میلاد مسیح		مسجد سلیمان در مقابل تاریخ: انسان
۴۸	۲- مسجد سلیمان در زمان پشدایان	۱۳	هارنشین
۴۸	۳- مسجد سلیمان در زمان کیانیان		استخر یا شهر تاریخی مسجد سلیمان (شهر
	۴- مسجد سلیمان در زمان ایلامیها (هیلامیها)	۱۵	استخر)
۴۸		۲۵	صفه مقدس در مسجد سلیمان
۴۹	۵- مسجد سلیمان در زمان سیماش	۲۹	تجسّات باستانشناسی در سر مسجد
۴۹	۶- مسجد سلیمان در زمان آلیماتیها	۳۵	بردنشانده (قدیمی ترین عبادتگاه ایرانی)
۴۹	۷- مسجد سلیمان در زمان قوم ماد		پادشاههای مالکوم کالج راجع به بردنشانده
۴۹	۸- مسجد سلیمان در زمان پارس ها	۳۱	
	۹- مسجد سلیمان در زمان اشکانیان یا پارتها	۳۱	کاوشهای بردنشانده
۵۰			کلیف دو آتشکده پارتی در مناطق نغخیز
	۱۰- مسجد سلیمان در زمان ساسانیان	۳۲	ایران
۵۲	۱۱- مسجد سلیمان در زمان سلجوقیان	۳۵	قلعه بزّدی
۵۲	۱۲- مسجد سلیمان در زمان صفویه	۳۷	آثار قدیمه بختیاری در منطقه آلهری
۵۲	۱۳- مسجد سلیمان در زمان افشاریان	۳۷	بینه و لور منطقه لالی
۵۳	۱۴- مسجد سلیمان در زمان زندیه		نتایج تحقیقات ماکسیم سیر و راجع به مسجد
	۱۵- مسجد سلیمان در زمان خلفای عباسی	۳۸	سلیمان
۵۳		۴۱	امامزاده سلطان ابراهیم (ع)

- ۱۶- مسجد سلیمان در زمان قاجاریه ۵۳
- ۱۷- مسجد سلیمان در زمان حکومت پهلوی ۵۵
- در کتاب «تاریخ جغرافیایی خوزستان» راجع به مسجد سلیمان چنین نوشته شده است. ۵۶
- آیا مسجد سلیمان شهری است یا بلوکی ۵۸
- قطعات مهم مسجد سلیمان عبارت است از: ۵۸
- بخش سوم: نفت در گذشته و تاریخچه آن ۶۰
- ۱- در خاورمیانه ۶۰
- ۲- نفت در ایران ۶۱
- بخش چهارم: کشف نفت در قرن بیستم ۶۴
- مسجد سلیمان و عملیات نفت ۶۶
- الف: کاوشها و امتیازات ۶۶
- ب: انعقاد قرارداد داری ۶۹
- ج: آغاز عملیات حفاری ۷۱
- د: تحصیل سرمایه ۷۲
- ه: مشکلات اولیه ۷۳
- تشکیل شرکت بهره برداری اولیه، پس از فوران نفت در چاه سرخ ۷۶
- ملاقات ریئولندز با خوانین بختیاری و شیخ خزعل ۷۷
- بیوگرافی ریئولندز و ادامه کار حفاری در سرزمین بختیاری ۷۷
- خوانین بختیاری و نفت جنوب ۸۰
- متن قرارداد متشرفنامه نوامبر سال ۱۹۰۵ م. ۸۲
- بین کمپانی نفت و خوانین بختیاری نامه: نامه ریئولندز به داری ۸۷
- کشف و فوران نفت در مسجد سلیمان ۹۷
- تحولات زمانی شهر در عصر جدید ۱۰۶
- چگونگی تحصیل اراضی و حفاظت اموال ۱۰۷
- آبادان: جزیره گنج ۱۰۹
- نخستین خط لوله نفت ۱۱۱
- توسعه عملیات در مسجد سلیمان ۱۲۱
- حاقبت کار و پایان زندگی ریئولندز ۱۲۳
- دکتر یانگ حکیم امنیتی ۱۲۵
- تأثیرات جنگ جهانی اول بر صنعت نفت ۱۳۱
- قرارداد جدید بعد از جنگ جهانی اول ۱۳۲
- تولید و صادرات نفت همزمان با توسعه شهر ۱۳۳
- توسعه صنعت نفت پس از جنگ اول بین المللی و طرز اداره کردن شرکت آمدن ژنرال سرپرستی سایکس، کنسول انگلیس و فرمانده پلیس جنوب ایران به مسجد سلیمان ۱۳۹
- قصدی از استاد محمدتقی بهار (ملک الشعراء) راجع به مسجد سلیمان ۱۴۰
- وضعیت مسجد سلیمان از آغاز تا سال ۱۳۰۸ شمسی برابر با ۱۹۲۹ میلادی ۱۴۳
- اکتشاف نفت ۱۴۵
- زمین شناسی ۱۴۶
- حفر چاه ۱۴۸
- استخراج علمی ۱۴۸
- ثبت نمونه های حفاری ۱۵۱
- گاز ۱۵۲
- بازیافت بنزین ۱۵۳
- جمع آوری گاز ۱۵۴
- خط لوله ۱۵۵
- آب، نیروی برق و روشنایی ۱۵۶
- ایستگاه برق ۱۵۸
- خدمات پزشکی ۱۵۹
- بهداشت عمومی ۱۶۱
- مکن ۱۶۲
- آموزش ۱۶۳
- ۱- آموزش کادگانی ۱۶۳
- ۲- خدمات معارفی شرکت ۱۶۴
- کارگاهها و کارگران ۱۶۵
- رفاهیات ۱۶۷
- توسعه عملیات صنعتی و خدماتی ۱۷۱

- سنارمان انلری شرکت ۱۷۲
- جنگگاه جهانی دوم و مسجد سلیمان ۱۷۹
- تنقل از روزنامه اطلاعات، سه شنبه
بیست و پنجم تیرماه ۱۳۲۵ ش. ۱۸۵
- تنقل از روزنامه اطلاعات، چهارشنبه ۲۶
تیرماه ۱۳۲۵ ش. ۱۸۶
- حکمت شرکت در ربط دادن صنعت نفت با
اقتصاد عمومی کشور ۱۸۹
- مفکتهای متصدیان امور ۱۹۰
- رفتاری که شرکت با کارکنان خود می نمود
۱۹۱
- توسعه مسجد سلیمان بین سالهای (۱۳۲۹ -
۱۳۱۹) و تحولات خلع بد ۱۹۵
- تحولات خلع بد در مسجد سلیمان ۱۹۶
- اعلام حکومت نظامی در خوزستان ۱۹۶
- نقل از روزنامه اطلاعات شماره (۷۴۸۱) شنبه
دهم فروردین ماه (۱۳۳۰ ش.) ۱۹۶
- تنقل از روزنامه اطلاعات شماره (۷۴۸۲)
یکشنبه یازدهم فروردین (۱۳۳۰ ش.) ۱۹۷
- نقل از روزنامه اطلاعات، یکشنبه یازدهم
فروردین ماه ۱۳۳۰ ش. ۱۹۸
- نقل از روزنامه اطلاعات، دوشنبه ۱۲
فروردین ماه ۱۳۳۰ ش. ۱۹۸
- نقل از روزنامه اطلاعات، چهارشنبه ۱۴
فروردین ماه ۱۳۳۰ ش. ۱۹۸
- نقل از روزنامه اطلاعات، ۱۷ فروردین ماه
۱۳۳۰ ش. ۱۹۹
- تنقل از روزنامه اطلاعات، دوشنبه ۱۹
فروردین ماه ۱۳۳۰ ش. ۱۹۹
- نقل از روزنامه اطلاعات، دوشنبه ۱۵ تیرماه
۱۳۳۰ ش. ۲۰۰
- ل اولین مسافرت هیئت های اعزامی به مناطق
نفت خیز ۲۰۱
- بیانات آقای حسین منکی در باشگاه نفتون و
کلره ۲۰۲
- نقل آقای مهندس مهدی بازرگان در باشگاه
- کاوه و نفتون ۲۰۵
- نقل از روزنامه اطلاعات، سه شنبه ۱۱ تیرماه
(۱۳۳۰) شماره (۷۵۵۷) ۲۰۷
- بازدید هیأت اعزامی از مسجد سلیمان ۲۰۷
- تماس با نخست وزیر از داخل هواپیما ۲۰۷
- رؤسای ایرانی حوزه نفتی مسجد سلیمان
۲۰۸
- خروج رئیس انتلیجنت سرویس مسجد
سلیمان از ایران ۲۰۹
- یک بلوف سیاسی هیئت مدیره از طرف منکی
۲۰۹
- بازهم لغو جواز اقامت ۲۱۱
- خرابکاری در بیمارستان ۲۱۱
- متخصصین انگلیسی مناطق نفت خیز قصد
عزیمت از ایران را دارند. ۲۱۱
- متخصصین انگلیسی، مناطق نفت خیز را به
کلی تخلیه کرده اند ۲۱۲
- تنقل از شماره ۱۳۶۲ مورخ یکشنبه ۱۰
شهریور ۲۱۵
- تظن آقای سید حسین منکی در باشگاه ایران
مسجد سلیمان ۲۱۵
- نقل از روزنامه اطلاعات، مورخ یازدهم
شهریور ۱۳۳۰ شماره (۷۶۰۸) ۲۱۶
- بهره برداری تحت نظر کارشناسان ایرانی
۲۱۷
- بازدید خبرنگاران خارجی از مسجد سلیمان
۲۱۷
- آبادی و ساختمان در مسجد سلیمان تا قبل از
خلع بد ۲۱۷
- نقل از روزنامه خبرهای روز آبادان، مورخ
پنجشنبه ۱۶ آبانماه ۱۳۳۰ شماره ۱۴۱۷ ۲۲۰
- ساختمان دکان برای پیشه وران ۲۲۰
- تماس فرهنگها در مسجد سلیمان ۲۲۰
- احزاب سیاسی مسجد سلیمان، قبل و بعد از
ملی شدن نفت ۲۲۲

تاریخ مسجد سلیمان

<p>۲۵۶ جامه‌های ماشین رو چاهها داستان الف - نری F-3 در مسجد سلیمان</p> <p>۲۵۶ اطلاعات اصلاحی روی چاههای شماره (الف - ۶)، (۱۱) و (۱۳) مسجد سلیمان در رابطه با</p> <p>۲۵۷ تعرض خیابان</p> <p>۲۵۷ خطوط لوله مسجد سلیمان</p> <p>امکانات افزایش ظرفیت تولید از طریق تزریق گاز</p> <p>۲۵۹ افزایش مقادیر تولید از طریق احداث کلرخانه نمک‌دایی</p> <p>۲۶۰ دستگاه ادی. جی. تایزر در اداره قدیمی پتروفیزیک مسجد سلیمان</p> <p>۲۶۱ نکات برجسته بررسی مختصر وضعیت نشتهای هیلروگروری بر روی مخزن مسجد سلیمان</p> <p>۲۶۲ تولید از چاههای نواحی مسجد سلیمان</p> <p>۲۶۶ ناحیه پرسپاه</p> <p>۲۶۷ بخش لالی</p> <p>۲۷۰ ۱- عنبل</p> <p>۲۷۰ موقعیت جغرافیایی عنبل</p> <p>۲۷۱ اوضاع اجتماعی عنبل</p> <p>۲۷۱ بهداشت عنبل</p> <p>۲۷۱ آب آشامیدنی عنبل</p> <p>۲۷۱ برق عنبل</p> <p>۲۷۲ نرخ برق</p> <p>۲۷۳ اوضاع ناحیه عنبل</p> <p>۲۷۳ ۲- دشت لالی</p> <p>۱- موقعیت جغرافیایی و اوضاع اجتماعی دشت لالی متن نامه بستن فرودگاه دشت لالی</p> <p>۲۷۵ ۲- بهداشت لالی</p> <p>۲۷۶ شبکه برق لالی</p> <p>۲۷۶ ۴- زمین شناسی مخزن لالی</p> <p>۴- بررسی وضع تولید از میدان لالی: (مخزن آماری وینگستان)</p> <p>۲۷۷</p>	<p>۲۲۲ سازمانهای وابسته به حزب توده</p> <p>۲۲۲ حزب توده در مسجد سلیمان</p> <p>۲۲۵ حزب ایران</p> <p>۲۲۶ حزب زحمتکشان ملت ایران</p> <p>۲۲۷ حزب پان ایرانیسم</p> <p>۲۲۷ حزب سوسیالیست</p> <p>۲۲۷ جنگ ابوالقاسم خان بختیاری</p> <p>وضعیت میدان مسجد سلیمان - زمین شناسی و مخازن نفت و گاز</p> <p>۲۲۸ تاریخچه مخازن نفت و گاز مسجد سلیمان</p> <p>۲۲۸ ۱- مخازن نفت</p> <p>۲۲۸ ۱- مخزن آسماری</p> <p>۲۲۹ باقیمانده نفت قابل تولید</p> <p>۲۳۱ ۲- مخزن هنگستان</p> <p>۲۳۱ کوه آسماری</p> <p>مخزن گاز</p> <p>۲۳۲ مخزن گل ترش ژوراسیک</p> <p>۲۳۲ زمین شناسی مخزن ژوراسیک</p> <p>۲۳۵ مخزن خلی</p> <p>مقادیر تولید نفت از مخزن مسجد سلیمان</p> <p>۲۳۶ خاک منطقه</p> <p>۲۴۰ رابطه افزایش نفت با جمعیت</p> <p>۲۴۱ انفجار چاه شماره ۳۱۱ مسجد سلیمان</p> <p>کلرخانه جلب آب از گاز مسجد سلیمان</p> <p>۲۴۵ اپتروشیمی مسجد سلیمان</p> <p>نشت گاز و نفت از کف منازل مسکونی واقع در مناطق سی برنج و دره خرسان</p> <p>۲۴۹ منطقه سی برنج مسجد سلیمان</p> <p>۲۴۹ گاز مصرفی شهر مسجد سلیمان</p> <p>۲۵۱ توضیحاتی راجع به چاههای مسجد سلیمان</p> <p>۲۵۲ چاههای گاز منطقه مسجد سلیمان</p> <p>۲۵۵ چاههای تزریقی مسجد سلیمان</p> <p>۲۵۵ چاه شماره ۲۸۱ مسجد سلیمان</p>
------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------

۲۲۵	۳- بهداشت	۲۷۵	فرزاد بهربرداری، وضعیت چاهها و
۲۲۶	آموزشگاه بهیاری مسجد سلیمان	۲۷۸	بهربرداری از میدان لالی
	انتخاب کارآموز بهیاری در آموزشگاه مسجد	۲۷۸	گلف - واحد بهره‌برداری لالی
۲۲۸	سلیمان		ب- وضعیت چاهها و بهره‌برداری از میدان
۲۲۹	خانه پرستاران	۲۷۹	لالی
۲۲۹	پانسیون رازی		در تقویم صنعت نفت راجع به لالی آمده است
	اداره خدمات کارکنان منطقه مسجد سلیمان	۲۷۹	
۲۳۰		۲۷۹	تاریخچه چاه شماره (۲) لالی
۲۳۲	الف - تعمیرات منازل	۲۸۰	تاریخچه چاه شماره (۳) لالی
	زیرزمین و بادبزن برزنی بهای کولر و چراغ	۲۸۳	وضعیت آب بخش لالی
۲۳۳	تقنی بهای نور الکتریکی	۲۸۴	ناحیه کارون
۲۳۹	تأثیر عوامل طبیعی در امر خانه‌سازی	۲۸۶	ناحیه زیلانی
۲۴۲	تحولات بازار مسجد سلیمان		واحد های عملیاتی و خدماتی منطقه مسجد
۲۴۳	وجه تسمیه منطقه آقزئبی	۲۸۸	سلیمان
۲۴۴	واگذاری منازل مسکونی شرکت نفت		بخش ۱- واحدهای عملیاتی منطقه
۲۴۵	کارخانه گچ‌سازی «Gatch-plant»	۲۸۸	مسجد سلیمان
۲۴۶	کارخانه شن‌شویی قدیم	۲۸۸	الف - واحد بهره‌برداری
۲۴۷	کارخانه آسفالت قدیم	۲۸۸	۱- واحدهای بهره‌برداری
۲۴۸	ب - تدارکات	۲۹۰	۲- دستگاههای تفکیک
۲۴۹	فروشگاهها	۲۹۱	۳- مخازن
۲۵۱	کارخانجات یخ‌سازی	۲۹۲	۴- کارخانه جذب گاز در مسجد سلیمان
۲۵۲	مهمانراها	۲۹۳	۵- کارخانه‌های تقطیر
۲۵۳	ج - خدمات اجتماعی شرکت نفت	۲۹۶	واحد تقطیر محلی مسجد سلیمان
۲۵۶	باشگاه مرکزی	۳۰۱	۶- اداره تعمیرات منطقه مسجد سلیمان
۲۵۸	باشگاه گلف	۳۰۲	تاریخچه تأمین آب در مسجد سلیمان
	باشگاه سوارکاران مسجد سلیمان و	۳۱۱	حاستنی از تأسیسات گذارلندر
۲۵۹	تاریخچه‌های از سوارکاری	۳۱۱	گذارلندر
۲۶۲	باشگاه کلاه	۳۱۲	وجه تسمیه گذارلندر
۲۶۳	باشگاه ایران، بی‌بی‌یان، نفتون و نفتک	۳۱۲	تقریری اجمالی به تاریخچه گذارلندر
۲۶۴	باشگاه فردوسی نمبی	۳۱۳	کارخانه برق نمبی
۲۶۴	باشگاه بولینگ مسجد سلیمان		بخش ۲- واحدهای خدماتی منطقه
۲۶۶	انجمن باغبانی مسجد سلیمان	۳۲۰	مسجد سلیمان
	ورزش پیینگ‌بگ در مسجد سلیمان و		بهیاری و بهداشت منطقه مسجد سلیمان
۲۶۷	قهرمانان آن	۳۲۰	
۲۶۸	بازی اسکواش و بدمیتن	۳۲۱	۱- بیمارستان
۲۶۸	چهره آشنای ورزش مسجد سلیمان	۳۲۴	۲- درمانگاهها

۴۱۲	وضعیت آب	۴۶۹	اداره ترابری منطقه مسجد سلیمان
۴۱۴	وضعیت مسکن	۴۷۲	ارتباطات
۴۱۷	وضعیت اقتصادی منطقه	۴۷۲	۱- راه قدیم مسجد سلیمان - اهواز
۴۱۸	وضعیت فرهنگی	۴۷۳	۲- راه آهن
۴۲۳	بیوگرافی مردان پلنگ المکن	۴۷۴	۳- فرودگاه
۴۲۴	طیبه خلیلی مسجد سلیمان - حاج حسن آقا	۴۷۵	سرویسهای اتوبوسرانی
۴۳۱	خانمی	۴۷۵	سرویسهای تاکسیرانی
۴۳۲	مصاحبه با آقای موسوی، رئیس منطقه و حاج	۴۷۶	اداره حراست
۴۳۳	شیشه گر، رئیس بهره برداری مسجد سلیمان	۴۷۷	اداره روابط عمومی
۴۳۴	بررسی موردی خلاصه گزارش مطالعات	۴۷۸	اداره ایمنی و آتش نشانی
۴۳۷	مسجد سلیمان	۴۷۸	اداره مناسبات
۴۳۸	بررسی های تاریخی و مدنی شهرستان	۴۸۱	اداره حسابداری
۴۴۰	مسجد سلیمان	۴۸۲	امور اداری کارکنان
۴۴۰	۱- موقعیت تاریخی شهر	۴۸۶	اداره کالا
۴۴۰	۲- بررسی وضعیت عمومی شهر مسجد سلیمان	آموزشگاه شهید مطهری شرکت نفت مسجد سلیمان	آموزش و پرورش مسجد سلیمان
۴۴۳	۱- ۲- امکانات عمومی شهر	۴۸۸	کمکهای شرکت نفت به آموزش و پرورش
۴۴۳	۳- نقش شرکت در بافت شهری مسجد سلیمان	۴۸۹	۴۹۶
۴۴۴	سلیمان	۴۹۷	مدرسه خارجی ها
۴۴۶	نتیجه گیری و پیشنهادات	۴۹۷	چهار خاموش (شعر)
۴۴۶	ضمیمه	۴۰۰	علل مهاجرت پذیری مسجد سلیمان
۴۵۰	مطالبی راجع به بازنشستگان	۴۰۱	جمعیت پذیری شهر
۴۵۰	جدولها و آمارها	۴۰۳	کالبدگیری شهر و مشخصات اجتماعی آن
۴۵۰	لیست پیمانکاران شرکت نفت مسجد سلیمان	۴۰۶	وضعیت اقتصادی و اشتغال
۴۶۳	سلیمان	۴۰۸	آینده شهر
۴۷۰	سیاسگزاری	۴۱۱	بررسی اوضاع شهرستان مسجد سلیمان در
۴۷۲	منابع و مأخذ	۴۱۱	چهارچوب گزارش هیئت اعزامی شورای
۴۷۶	فهرست اعلام	۴۱۱	نهادهای استان
۴۸۴	اسناد و تصاویر	۴۱۱	حالت وجودی شهر

«بنام آنکه جان را فکرت آموخت»

مقدمه

ستایش یزدان پاک را و درود بروان تابناک برگزیدگان و قربان درگاه وی، بخصوص مهبط وحی و تنزیل کتاب مبین، و قدوة ارباب یقین، مهین رهبر دین و پیشوای بزرگ.

از زمانی که بشر، نفت این ماده انرژی زا و گرانبها را کشف و استفاده پرتعداد آن را فرا گرفت، در کلیه زمینه‌ها بخصوص صنعت و تکنولوژی آنچنان جهشی پدیدار گشت که در طول تاریخ، بی سابقه و اعجاب‌انگیز بوده است.

نفوذ نفت به دنیای صنایع و گسترش آن، پدیده‌های بی شماری را بوجود آورد که شیوة زندگی را در اکثر جوامع دگرگون و برآسایش و راحتی ملل افزود. ولی این ماده سحرانگیز در قبال خیر و برکات بی شمارش، نگون بختیهای فراوانی را نیز به همراه آورد که تمامی گریبانگیر بلاد صاحب نفت و بدور مانده از خافله فنون و تکنولوژی شد. غارتگران با دست‌اندازی بزرگی منابع نفتی این کشورها، از هیچگونه تلاشی در چپاول منابع و فنای هستی‌شان دریغ نوردیده و اقتصاد، سیاست و فرهنگ آنان را به بازی گرفتند.

کتابی که در مقابل دارید، سند گویایی است از چگونگی پیدایش و اعمال سیاستهای زورگویانه قدرتهای صنعتی و اقتصادی آن زمان، که سعی در حفظ منافع خود داشته و در مقابل هر حرکت حق‌طلبانه‌ای از جانب مردم این کشور، چگونه با تغییر استراتژی و اتخاذ سیاستهای جدید، آب ریخته را به جوی بازگردانیده و حریصانه‌تر به یغماگری می‌پردازند.

مسجد سلیمان سالها با دنیای تمدن و صنعت آنروز، دارای ارتباطی مستقیم بوده و اولین شهر ایران است که با فرهنگ صنعتی آشنایی کامل داشته و دارد، در صورتی که اکنون کمتر شهری از این سرزمین را می‌توان یافت که مزایایی همچون مسجد سلیمان را در خود داشته باشد.

پس با اینهمه خدمات اقتصادی، ملی و صنعتی که سالیان متعادی به کشور و جهان غرب ارائه

نموده، اکنون واقعاً جای آن است که مجدداً شکوفایی گذاشته‌اش احیاء گردد و از زوال قطعی نجات یابد.

تنها نیازی که در خود احساس می‌کند «میل به ادامه حیات» است. پس بیاید جداً آستین همت را بالا زده و در بقاء آن کوشا باشیم، زیرا صرفاً سختوری و شعار، همچون «آب غربال کردن»، هرگز راه بجایی نخواهد برد.

بهرحال این شهر از نظر تاریخ و صنعت، شهری است که روزهای درخشان و دوره‌های پرحادثه‌ای را بر خود دیده است. مسجد سلیمان، مرکز تمدنی مربوط به پانزده هزار سال قبل از میلاد مسیح می‌باشد که بقایای آن را از زیر تپه‌ها و کوه‌های سر به فلک کشیده بیرون آورده‌اند و اینک در موزه‌های داخل و خارج از کشور نگهداری می‌شود.

درباره این سرزمین، تاکنون کتاب جامع و مستقلی نوشته نشده. از پنج سال قبل تاکنون نگارنده بطور جدی، به حکم وظیفه معلمی و بر اثر علاقه مفراط بزادگاه و محبت و این به وطن و حسن نیت و لطف اندیشه به تحقیق، یادداشت‌هایی راجع به اوضاع سیاسی، تاریخی، اقتصادی، جغرافیایی این شهر، شرح وقایع صنعت آن و حوادث مربوطه، گرد آورده بودم. بیم آن بود که آن یادداشت‌ها کالی نباشد و نقص جلوه نماید.

مطالعه این مجموعه به زعم نگارنده، حقایق تاریک و فراموش شده تاریخ گذشته و معاصر مسجد سلیمان را از زیر پرده‌های ضخیم تحریفات و ابهامات در آورده و پوشش حایل‌گونه را از رخسارشان بر گرفته است و برای علاقمندان به تاریخ ایران، خالی از فایده نیست.

اصولاً کلام تاریخ چون پلی برای عبور آبندهگان جهت آشنایی با فرهنگ، هنر، ایده، افکار نیاکان و تحولات سرزمین خویش می‌باشد. یعنی کتاب تاریخ می‌تواند مخزن تجربیاتی مفید برای خواننده باشد. البته نگارنده همانند دیگران، علاقه شدیدی به زادگاهش داشته و با احساس افتخار، دوستدار و شائق هستم دین خود را نسبت به تاریخ سرزمین آباء و اجدادی خویش ادا نمایم ولی این بنده حقیر کمتر از آنم که بتوانم خدمتی را که شایسته و در خور آب و خاک و زادگاهم باشد بنمایم و شهر شاهین آمالم را به سرحد کمال برسانم که عطش وافر مرا تسکین دهد تا آنطوری که شاید و یابد کتابی مؤثر و مفید ارمغان بدارم.

امکانات و وقت خویش را در نجس و وسیع، مطالعات دقیق و مشاهدات عمیق از مناظر طبیعی و اماکن باستانی و تاریخ نفت مسجد سلیمان صرف کردم و اکنون بر خود لازم می‌دانم که با کوشش و دقت مضاعف، تحقیقات انجام شده از لابلای نوشته‌های مورخین شهر را با قلم نارسای خویش بنگارم. بهر طریق، امید است که مطالب این کتاب بتواند آگاهی هرچه بیشتری به

هموطنان عزیز بیفزاید و آنان را با یکی از بزرگترین میادین نفتخیز ایران آشنا سازد و نهایتاً مقبول طبع قرار گیرد. بهر حال اکنون که توفیق چاپ و انتشار این مجموعه را یافتیم بر خود لازم می‌دانیم که از دوست ارجمند و خوشنویس و نیک‌اندیشم، آقای فرزاد نصیری شهنی تقدیر و تشکر نمایم که در بازنویسی این کتاب مرا یاری نمود.

علی‌الحال از بزرگان و راغبین سطور، تقاضا می‌کنم که اگر متوجه غیوب و نواقصی در این نوشته شدند، هدف تیر ملامت سازند و با دیدهٔ انصاف بنگرند. در نهایت آن تعایب را برای ما قید نموده و ارسال دارید تا در چاپهای بعدی این نقایص مرتفع گردد.

«آدلش عباسی شهنی، نوهٔ آسهدیقلی اشرف‌زاده

فرمانروای کل طایفهٔ نصیر و نیرهٔ حبیب‌الله خان

ایلیخان کل بختیاری»

موقع جغرافیایی و اوضاع طبیعی مسجد سلیمان:

۱- موقع ریاضی: این شهر در ۵۶ و ۵۵ و ۳۱ درجه عرض جغرافیایی از خط استوا و ۲۰ و ۱۷ درجه طول جغرافیایی از نصف النهار گرنویچ واقع شده است.

۲- موقع نسبی: از طرف شمال محدود است به رودخانه کارون از مشرق به منطقه کوچ نشین اینده و از جنوب به هفتکل و از مغرب به شوشتر متصل است و ارتفاع آن از سطح دریای آزاد ۳۶۲ متر. مساحت این شهرستان ۷۲۰۰ کیلومتر مربع. سلسله جبال زاگرس از حاشیه شمال شرق این شهرستان عبور می نماید که مهمترین رشته کوههای آن در این منطقه عبارتند از: کوه اُدیو، کوه کی نو، کوه تاراز، کوه ثنار، کوه دلا و کوه آسماری.

۳- ناهمواریها: ناهمواریهای این ناحیه دنباله غربی کوههای بختیاری است که رشته ای از جبال زاگرس می باشد. کوههای این منطقه تقریباً بطور متوازی و پلکانی می باشد و دارای جهت شمال غربی، جنوب شرقی هستند که از جهت غرب به جلگه خوزستان و از طرف مشرق به کوههای عظیم زاگرس ختم می گردند.

۴- آب و هوا: قسمت شمال و شرق شهرستان که از حوالی کوههای (کی نو) و (ثنار) به سمت ارتفاعات زاگرس کشیده می شود و قسمتی از بخش اندیکا را شامل می گردد، دارای آب و هوای نسبتاً سرد است. به طوری که در زمستان بارانهای فراوان همراه با برف در ارتفاعات پاریده می شود. این منطقه بهاری بسیار سرسبز و خرم دارد و تابستانهای آن معتدل است. قسمت شمال، غرب، مرکز و جنوب شهرستان که آب و هوایش کاملاً متفاوت با قسمت شمال شرق است، زمستانهای معتدل و تابستانهای گرم و خشک دارد.

۵- جمعیت: جمعیت شهرستان مسجد سلیمان به تفکیک ساکن و غیر ساکن در سال ۱۳۷۰

جمع	جمعیت خاتوارهای ساکن و غیر ساکن			شهرستان
	نقاط شهری	نقاط روستایی	نقاط غیر ساکن	
۱۹۱۰۴۱ نفر	۱۱۸۹۱۸	۶۹۲۰۶	۲۹۹۱۷	مسجد سلیمان

بخش اول

باستان‌شناسی و بناهای مذهبی مسجد سلیمان

انسان غارنشین

مسجد سلیمان «انسان غارنشین» در ماقبل تاریخ :

تحقیقات زمین‌شناسی اخیر نشان داده است در زمانی که قسمت اعظم اروپا از توده‌های یخ پوشیده بود، نجد ایران از دوره باران^۱ - که طی آن حتی دره‌های عمیق در زیر آب قرار داشت - می‌گذشت. بخش مرکزی نجد که امروز بیابان نمکزار بزرگیت در آن زمان دریاچه وسیع یا دریای داخلی را، که رودهای بسیار از جبال مرتفع به سوی آن سرازیر می‌شده، تشکیل می‌داده است. بقایای ماهیان و صدفها که نه تنها در بیابان بلکه در دره‌های مرتفع نیز بدست آمده، وضع طبیعی کشور را آنچنان که در چند هزار سال پیش از تاریخ مسیحی بوده مجسم می‌سازد. در عهدی که آن را می‌توان بین ۱۰۰۰۰ تا ۱۵۰۰۰ سال ق.م. قرار داد، تغییر تدریجی آب و هوا صورت گرفت. عهد بارانی از بین رفت، و عهدی که اصطلاحاً آنرا عهد خشک^۲ نامند و هنوز هم ادامه دارد، جانشین آن گردید. کم شدن باران از یک طرف و سطح بلند دریاچه‌ها و دریا‌های داخلی از سوی دیگر، جریان رودها و جویبارهایی را که آب کوهستانها را با خود می‌بردند کند ساخت. بر اثر نظم جریان رودخانه‌ها در مصب آنها ذخایر رسوبی گرد آمده تشکیل قطعه زمینهایی را داد که بزودی سر از آب بیرون آوردند و حتماً اصلی میان دشت آینه یا دره با خود گویا تشکیل دادند.

1 - Période pluvieuse

2 - Epoque aride

در این عهد، انسان پیش از تاریخ که بیشتر در نجد ایران می‌زیست، در سوراخهایی که در جوانب پر درخت کوهها جفر می‌شد و به وسیله شاخه‌های درختان سقف می‌گردید، زندگی می‌کرد، و یا غالباً یکی از غارها یا پناهگاههای سنگی متعدد را، که اغلب آنها عبارت از بستر زیرزمینی روزهایی کهن بود، اشغال می‌نمود.

در بهار سال ۱۹۳۹ م نخستین بار در ایران آثار بقایای انسان عهد مزبور را در حفاری طاری در رنگ پنده^۱، در کوههای بختیاری واقع در شمال شرقی شوشتر و اطراف لالی تشخیص دادیم. در اینجا انسان برای تهیه خوراکی خود به شکار می‌پرداخت، و برای این منظور حیل را بیش از اعمال قنوت به کار می‌برد. وی به طرز استعمال چکش سنگی، تبر دستی، تبری که به چوبدستی شکافدار متصل بود، آشنایی داشت. همه اینها ابزارهای بدوی است که به وسیله صیقل اندکی از ناهنجاری آنها کاسته می‌شد. آلات استخوانی از قبیل درفش، که از استخوان حیوانات می‌ساختند، به مراتب کمتر از مصنوعات سنگی متداول بود، لیکن انسان در آن موقع یک نوع ظروف سفالین ناهموار را که به طور ناقص پخته بود به کار می‌برد، و در پایان دوره سکونت در غار این ظروف از لطف دود خوردگی به رنگ سیاه سیر درآمده بود. این نوع ظروف نیز با قدیمترین بقایای انسان در دشت پیدا شده، و بنابراین نشانه مهمی برای ارتباط میان این دو مرحله سکونت است.^۲

در این جامعه بدوی وظیفه مخصوصی به عهده زن گذاشته شده بود: وی گذشته از آنکه نگهبان آتش و شاید اختراع کننده و سازنده ظروف سفالین بود، می‌بایست چوبدستی به دست گرفته در کوهها به جستجوی ریشه‌های خوردنی نباتات یا جمع آوری میوه‌های وحشی پردازد. شناسایی گیاهان و فصل رویدن آنها و دانه‌هایی که می‌آوردند مولود مشاهدات طولانی و مداوم بود و او را به آزمایش کشت و زرع هدایت می‌کرد. نخستین مساعی وی در باب کشاورزی در زمینهای رسوبی انجام گرفت و در همان حال که مرد اندک پیشرفتی کرده بود، زن با کشاورزی ابتدایی خود در دوره حبر متأخر، که اقامت در غار بدان متعلق است، ابداعات بسیاری نمود. در نتیجه می‌بایست عدم تعادلی بین وظایف زن و مرد ایجاد شود و شاید همین امر اساس بعضی جوامع اولیه که زن در آنها بر مرد تفوق یافته بوده است، در چنین جوامعی (و همچنین در جوامعی که تعدد شوهران برای زن معمول است) زن کارهای قلیله را اداره می‌کند، و به مقام روحانیت می‌رسد، و در همین حال زنجیر اتصال خانواده به وسیله سلسله زنان صورت می‌گیرد، چون زن ناقل

خون قبيله به خالصترین شکل خود به شمار می‌رود. خواهیم دید که این طرز اولویت زن یکی از افتخورمختص ساکنان اصلی نجد ایران بوده و بعدها در آداب آریاییان فاتح وارد شده است.

استخر یا شهر تاریخی مسجد سلیمان (شهر استخر) :

بقولی از آریایان تاریخ و سیر دانشوران کتب و خبر، استخر را کیومرث ساخته و جمعی گویند پسرش استخر نام. آنجا را بنا نهاده و هوشنگ بر آن عمارت کرده و جمشید به اتمام رسانیده چنانکه از حدود خفرک تا آخر را مجرد که این قطعه چهارده فرسخ است، طول شهر بوده و عرضش نیز ده فرسخ و سه قلعه محکم هم به سر آن کوه بلند که خراطی کرده می‌نماید، ساخته بودند موسوم به قلعه استخر و قلعه شکسته و قلعه شکوان که اکنون آبادی خیلی از آنها باقی مانده و عمارتی مخصوص از سنگ، جمشید پای کوه ساخته که یک طرفش به کوه پیوسته و سه سمت آن به صحرا و گشاده است و از آن سنگها ابداً نمونه و آثار و معدنی در آن صحراها و آن صفحات دیده نمی‌شود و قدمت‌های عمارت و ارتفاع آن سی‌گزر بوده و مسلم است که با اسباب مهندسی و آلات و ادوات جراثقالی سنگها و ستونها را بر روی هم و در بالای یکدیگر سوار کرده و گذاشته‌اند و بنایی چنین که هنوز در جای دیگر دنیا کرده نشده سنگهای مسطحی که انداخته‌اند به عرض و طول سه چهار گز بریده شده و بقسمی آن را پرداخت و صیقلی کرده‌اند که بعد از این مدت خرابیها، گردوخاک از رویش پاک کنی، چون آینه‌های سنگ بسیار صاف روشن خوب موهبه صورت در او دیده می‌شود.

گویند بعد از دیدن یونانیان این سنگ و غیره، بعد از زحمت و مدت زیاد آینه فلزی که به آئینه مکتور نامیده شد، درست کردند. باری چنان راه و پله‌های طرفین آن عمارت ساخته شد که سواره بخ سهولت و آسانی بر بالای آن رفت و آمد می‌شد و بالا منازل و جاها و اطاقها از سنگ تراشیده و پرداخته شده که برخی برای نمونه باقی است و تختگاه مخصوص خود جمشید. بالای اینها چهار ستون تراشیده از سنگ سفید به بلندی بیست ذرع و مخروطی و چنان نقاری و حجاری نگرفته‌اند که استادان کامل با اسباب و ابزارهای نیکو به مدتها در چوب نتوانند کرد و حیرت این است که هیچ حربه یا کتر حربه نقاری بر آنها کارگر نیاید، جز اعمال جمقا و گفتار و کردار بلها و ~~و اینها را در~~ دیگر معلوم نیست این سنگها را از کجا و با چه اسباب اینجا آورده‌اند و یا نیش تیشه و ~~و اینها را در~~ ستونها و دیوارها و بدن کوهها صورتهای عجیب و غریب نقش کرده‌اند. سقف ~~و اینها را در~~ بالا از همه روی آن ستونهای سفید بیست ذره می که فرو ریخته معلوم است و ~~و اینها را در~~ توتیای هندی بسیار است و معلوم نیست برای چه نتیجه و چه حکمتی با خاک و گل آنجا توتیای هندی آمیخته‌اند و ستونهای بلند دو پارچه سه پارچه بوده‌اند، هر پارچه

شش ذرع و چنان با هم وصل کرده‌اند که به اشکال و دقت بسیار می‌توان فهمید.

در عهد صمصام‌الدوله دیلمی قلمش‌ترین اسرائیل سلجوقی برادر آلپ ارسلان سلجوقی متعاقب لشکر بدان دیار برده آن شهر را یکلی خراب کرده، شرح آن بنا قوه احدی نیست بیان نماید.

و نیز به عقاید مورخین دیگر از لسان مدن و حصون و فارس دارالملک این ممالک بوده. گویند اول کسی که بنای استخر گنناشت استخرین طهمورث پیشدای بوده و به زعم عجم وی بمنزله آدم ابوالبشر بود.

جریرین عطیه گفته است: معروف است که فارس و روم و عرب از اولاد اسحق بن ابراهیم خلیل می‌باشند. استخری فرموده: استخر مدینه‌ای است که وصعت وسط آن یک میل و قدیمتر و مشهورتر از همه شهرهای فارس و پایتخت پادشاهان عجم تا وقتی که اردشیر جور را دارالملک نمود و در اخبار وارد است که سلیمان بن داود از صبح تا شام از طبریه تا استخر را سیر می‌کرد در استخر مسجدی است معروف به مسجد سلیمان و حوام عجم را عقیده این است جمشیدی که قبل از ضحاک و مضمحل وی شده همان سلیمان است.

بالجمله استخر را پاروئی در قدیم بود که الحال خراب است و عمارات این شهر را با سنگ و گچ کرده‌اند و پل خراسان در بیرون شهر حوالی دروازه‌ای که رو به خراسان ساخته‌اند، می‌باشد و آن طرف پل بناها و عمارات است که پاره‌ای ساخته شده و پاره‌ای ناتمام. با وجود اینکه هوای طرف استخر خوب است، هوای شهر غیر سالم است. و مسافت میانه و استخر و شیراز چندین فرسخ است و در کوه‌های استخر معادن آهن و غیره بسیار است و در ناحیه نزدیک به استخر که معروف به دارابجرد است، معدن زئبق می‌باشد و گویند فارس را پنج یا هفت ناحیه بسته از همه بزرگتر ناحیه استخر است، و قبل از اسلام خزاین و دفاین ملوک عجم در استخر بود.

ادریس بن عمران گویند کریمتر و گرانمی‌تر مردم جساماً اهل استخرند. زیرا که همه پادشاهان و پادشاهزادگان و شهرهای مشهوره ناحیه استخر: پشما، بیید، تیریز، ابرقوه، یزد بوده. وسعت خاکش دوازده فرسنگ.

در آثار الباقیه است که در استخر مجوسها آتشکده عظیمی داشتند و گویند همان مسجد سلیمان بوده. مسعودی گفته: این آتشکده در بیرون شهر است. چون به استخر آمدم بنای عجیبی در آن کوه دیدم که تخت جمشید بوده. ستونهای سنگی بزرگ خراب دارد. صورتهای سنگی بزرگ و اشکال در آن است که اهالیش گویند صورتهای انبیای عجم است، و از عجایبش این است که دایم در این محل بادهای خوب می‌وزد.

این اثر جزا در تاریخ خود نگاشته: وقتی که استخر را آلب ارسلان مسخر ساخت، فدح فیروزه در خزانه آنجا یافت که اسم جمشید در کف آن نوشته بود. و نیز از عجایب تحف و تربیت استخر این است که سیبی دارد نصف آن ترش و نصف دیگر آن شیرین است و در هیچ جای دنیا بهم نرسد. بقولی کیومرث و بقولی پسرش استخر را بنا نهاده و هوشنگ بر آن افزوده و جمشید با تمام رسانیده. چنانکه از حد خفرک تا آخر را مجرد مسافت چهارده فرسنگ طول آن و ده فرسخ عرض داشته و با زراعت و قراء نیک بوده و سه قلعه محکم داشت بر سر بلندی سه کوه: یکی استخر، دیگری شکسته و یکی شکوان و یا اشکوان و این قلعه مشهور به ماران و نیز سه گنبدان هم گویند.

مؤلف فارسی نامه گوید که جمشید در استخر در پای کوهی سرانی ساخت که در پایان کوه دهکای از سنگ سیاه بود چهار سوک که یک جانبش به کوه پیوسته و سه طرف دیگر در صحرا گشوده و در بلندی سی گز ساخته و به دو طرف با نردبانی بالا می رفتند و بر آن دیگر ستونها از سنگ سفید مدور کرده و بر او تقاریرها چنان باریک و دقیق کرده که بر چوبهای نرم نتوان کرد و به هر درگاه دو ستون مربع نهاده و پاره های این ستونها زیاده از صد هزار من باشد و در آن نزدیکها بدان شکل سنگی نیست و براده و نرمه آن سنگ خون بست و سد جریان دم می کند و در آنجا صورت براق حضرت رسالت صلی الله علیه و اله نقش است که رویش چون آدم باریش مجعد و تاج بر سر، و دست و پا و دم بر صفت گاو و صورت جمشید به شکلی زیبا کرده بودند و در آن کوه بگر مابه ای از سنگ کنبه چنانکه آب گرمش از چشمه زاینده است و به آتش محتاج نمی شده و بر سر آن کوه دخمه های عظیم بود که عوام آنها را زندان باد می گفتند. وقت غلبه اسلام چون فارسیان مکرر خلاف عهد و قدر کرده بودند، مسلمانان آنجا پس از استیلائی اخیر قتل و خرابی عظیم کردند، رود خون کشتگان جریان یافته، اما کن بکلی ویران شد.

در عهد مصمّم الدوله دهلوی در سال سیصد و هفتاد و دو هجری امیر قلمش لشکری کشید و آنجا را بکلی خراب و منهدم ساخت و بقدر دهی مختصر ماند. و در میان خرابه های عمارت جمشید توتیای هندی یافتند که چشم را مفید بود و کسی ندانند که آن توتیا چون و چرا آنجا یالت

پس از آنکه توتیای هندی یافتند که چشم را مفید بود و کسی ندانند که آن توتیا چون و چرا آنجا یالت
 در عهد مصمّم الدوله دهلوی در سال سیصد و هفتاد و دو هجری امیر قلمش لشکری کشید و آنجا را بکلی خراب و منهدم ساخت و بقدر دهی مختصر ماند. و در میان خرابه های عمارت جمشید توتیای هندی یافتند که چشم را مفید بود و کسی ندانند که آن توتیا چون و چرا آنجا یالت
 پس از آنکه توتیای هندی یافتند که چشم را مفید بود و کسی ندانند که آن توتیا چون و چرا آنجا یالت
 در عهد مصمّم الدوله دهلوی در سال سیصد و هفتاد و دو هجری امیر قلمش لشکری کشید و آنجا را بکلی خراب و منهدم ساخت و بقدر دهی مختصر ماند. و در میان خرابه های عمارت جمشید توتیای هندی یافتند که چشم را مفید بود و کسی ندانند که آن توتیا چون و چرا آنجا یالت

استخر و قلعه سرخاسکون که در او حد خانوار باشد، چیز دیگر از آن شهر محصور نمانده و صورت جمشید را در آنجا کشیده‌اند که آفتاب پرستد و منافی با مسجد بودن است.

تقوم البلدان مطابق با سایرین است، جز اینکه گویند در استخر بناهاست که از شدت عظمت و غرابت بعضی را عقیده آن است که کار جن و دیو و پری است، چون عقایدی که در باب بعلبک دارند که کار انسان نیست.

در جام جم است که آثار قدیمه‌ای که در فارس است یکی همان تخت جمشید است که زبان و بیان از توصیف آن عاجز است و صورت جمشید را هم باختلاف حالات بر در و دیوار نموده‌اند، چنانکه بعضی جاها روی کرسی به دستی شاخ کرگدنی را گرفته، به دست دیگر خنجر بر شکم او فرو برده و در اطراف صفه‌ای بزرگ صورت آدمی و حیوانی است، چنانکه یکی شتر بقطار می‌برد و یکی گاو می‌کشد و یکی حرا به آب بسته می‌رانند و بعضی در دست نارنج دارند و بعضی کاسه گرفته‌اند، و سیزده مناره سنگ نیز برها مانده است که قطر هر یک که فریب دو ذرع و طول شانزده ذرع و یک چهاریک است و بالای سر منارها بعضی جاها شکل سر شتر و بعضی جاها هم سر کرگدن بوده و این منارها سه چهار پارچه بوده و هست. دوز سنگها را با سرب محکم کرده که ابتدا دیدنی نیست، و در صفه بزرگ که داخل می‌شوی دو شکل لیل از سنگ در آورده روی به صحرا و مقابل آن دو لیل و دو جانور غریبی بود که رو به جانب کوه است و در میانه این چهار صورت، دو مناره سنگی است و در کوه دو صفه از سنگ تراشیده‌اند و شکل آفتاب و مثل آتش است که جمشید رو بروی آفتاب ایستاده در پیک دست کمان و به دیگری اشاره به آفتاب می‌کند، و بالای سر جمشید شکل غریبی است که از دو طرف پر دارد و پای عجیبی دارد و در بالای آن صورت شکل جمشید را کوچک تراشیده‌اند، و سنگی که هفت ذرع طول دارد و یک ذرع و نیم عرض و یک ذرع قطر داشته، در آنجا بسیار بگاز رفته و در آن نزدیکیها دهنه فریدون است.

مسعودی در مروج الذهب می‌گوید: یکی از آتشکده‌های محترم مجوس در استخر است که ابتدای آن بوده و همای دخت بهمن ملکه ایران، بتکده را آتشکده کرده بعد از چندی آتشی را که به عقیده عجم متبرک بود، از آن معبد برداشته آن پرستشگاه را ویران ساخته. در میان عوام معروف است این معبد خرابه در یک فرسنگی شهر استخر از بناهای خوب گبرهاست و ستونهای عظیم آنجا یالت می‌شود.

القعه اسکندر رومی در ست ۳۳ قبل از مسیح آنجا را آتش زده منهدم کرد. دیودور که یکی از مورخین کامل یونان است و معاصر او گوشت فیصر روم بوده کتاب تاریخ با دقتی از آدم تا

تصویر خود نسبت سال قبل از عیسی در چهل جلد تصنیف نموده. درباره استخر و اسکندر
 می‌گوید: وقتی اسکندر وارد پایتخت حقیقی ایران یعنی استخر می‌شد، دو منزلی استخر در بین
 دروازه‌ها بود. به هشتصد نفر یونانی که به لباس اهل در یوزه او را استقبال نمودند. معلوم شد سلاطین
 قبل در جنگ با یونان اینها را اسیر آورده و به این محل مسکن داده و پیر و سالخورده بودند و
 اغلب ناقص الاعضاء. از سران و سرداران پرسیدند درباره اینها چه باید کرد؟ بعضی گفتند باید به
 وطنشان فرستاد. ولی خودشان استدعای ماندن ایران را نمودند که سالها منی شود از ولایت
 دورمانده از نظرها فراموش شده‌ایم. املاک و اموالمان همه رفته‌است، اینجاها بهترین است
 مقیم باشیم. قبول کرده انعام و احسان و مواجب و مستمری به هر یک داده شد و گاو و گوسفند و
 جفت و ملک مبدول شد که آسوده باشند. در روز ورود به استخر همه را حکم به یورش و خرابی
 و قتل و غارت در فضاها دشمنیهای ایرانیان به یونانیان داده شده که آنچه خواهید و بتوانید،
 فرو گذاشت نکنید، و غافل از اینکه آن کسی که صاحب قادر و حاکم این ممالک بوده‌است که
 نیست و در گذشته و تا بود کسی را چه حد و جرأت این خیالات بوده، چه جای حکم بر واقعاتش،
 پس این مشت ضعیف مستهلک را چه گناه و سلطان قادر مسلط مختار را بر جمعی مظلوم اسیر
 پنجه تقدیر بهتر از غفور و ارحم امری نخواهد بود که رحمت و لشکر مملکتی از سلطان خود
 منشی ضعیف و ذلیل و حقیرند و قابل طرف اعتنا و تلامی و فضاها نیستند مگر در جنگ قومی
 دنی و پست و بی پایه و ارادتی و بی مایه که جمعی فقیر و حقیرکش اند تا هیالشان به اسیری کشند و
 اموالشان به غارت برند، غافل که در روزگار مستور نگرردد و مدام مذکور شود. باری مردمان
 تربیت شده که خود را حکیم می‌دانستند کاری کردند که چنگیزیان صحرائی نکردند.

استخر در آن وقت از شهرهای دنیا که آفتاب بر آن می‌تابید آبادتر و مردمانش با مکتنت تر و
 بیوتات عالی و باخات پر از فرا که و انهار جاریه و اشجار مثمره لاتعد و لاتحصی بود. جماعت
 رکاب و غیره بدون سب و درنگ با تیهای کشیده بدون...^۱ به شهر ریختند، آنچه توانستند بقتل
 آوردند بعد به عمارات اعیان و بزرگان ریختند، زرهای دینه و اندوخته و جواهرات الوان چون
 آفتاب مشعش و فروخته و مخلفات و ارازی طلا و نقره اقسام ساده و مینا و مکمل و مرصع شده و
 بقیه‌های پیش از تصور انسان حتی ملایس اناس که از حریر و دیا مشوج بود و الوان مختلفه
 داشت، حتی پوشیده‌ها را نیز از تن آنها به پیش می‌بیرون کردند. این شهر معظم پارسیان و
 سلاطین عجم بقسمی منهدم و ویران شد که کان لم یکن گردید و این قتل و غارت نه یک

روز و دو روز بود، بلکه امتداد زیادی یافت. بعد از آنکه آنچه سکنه داشت از دم تیغ در کردند و هر چه هم یافتند برداشتند، در سر قسمت میانشان منازعه برخاست و جنگ افتاد و شمشیرها درهم گذاشتند فی الفور مکافات اعمال و افعالشان را روزگار در کنار نهاد و لصاص خون مردم بیگناه و مظلوم خورد از خود نمودند. بسیاری طعمه شمشیر و تیغ یکدیگر شدند.

و از آتشکده معتبر گبرها یکی آتشکده استخر است که معروف به مسجد سلیمان است و دهگر در شهر شاپور فارس است که دوازده بنایه در ایالت فارس چشمه‌ای است که به قاعده باید چشمه معدن نفت باشد و آتشکده‌های دارد که خیلی متبرکه است و جهت تبرکش این است که می‌گویند وقتی که حضرت عیسی (ع) بنیاد آمد کوروش الملکه که پادشاهی فارس داشت، همراهی سه نفر از رجال خود هدیه‌ای که سه همانها یکی کنس، و یکی مرتکی و یکی زرغاب بود، نزد حضرت مریم و عیسی (ع) فرستاد و مأمورین به هدایت ستاره‌ای که کوروش الملکه به آنها نموده بود در شام فریاد شدند و این تفصیل را همسویان در انجیل به طرز اوراق ذکر کرده‌اند و نیز روایت است که ستاره‌ای که هادی فرستادگان پادشاه فارس بود، در مولد مسیح طلوع کرد و به نظر آن پادشاه جلوه گرفته بود و مأمورین هنگام حرکت کردن ستاره با آنها سیر و همراهی می‌کرده و چون می‌ایستادند ستاره ثابت می‌مانده و بعد از وصول هدایای خود حضرت مریم به دست خود نان گرد خمیسی طبع فرموده به آنها سپرد که نزد ملک خود بروند و مأمورین مراجعت به ایران نموده بزحمت زیاد خود را به مملکت فارس رسانیدند و از برای اینکه این هدیه متبرکه را به پادشاه رسانند، هر وقت جایی منزل می‌کردند، در پناه سنگی یا زیر شاکی آن را پنهان می‌کردند تا به این منزل که چشمه‌ای آتش می‌باشد و آتشکده‌ای آنجا ساخته شده رسیدند و نان متبرکه را در زیر سنگی پنهان کردند شب را تا صبح آنجا بودند. وقت حرکت او را نیافتند، زمین را حفر نمودند، الی صد ذرع و این چشمه در انتهای زمین از حفر ایشان پیدا شد.

صفت مقدس در مسجد سلیمان

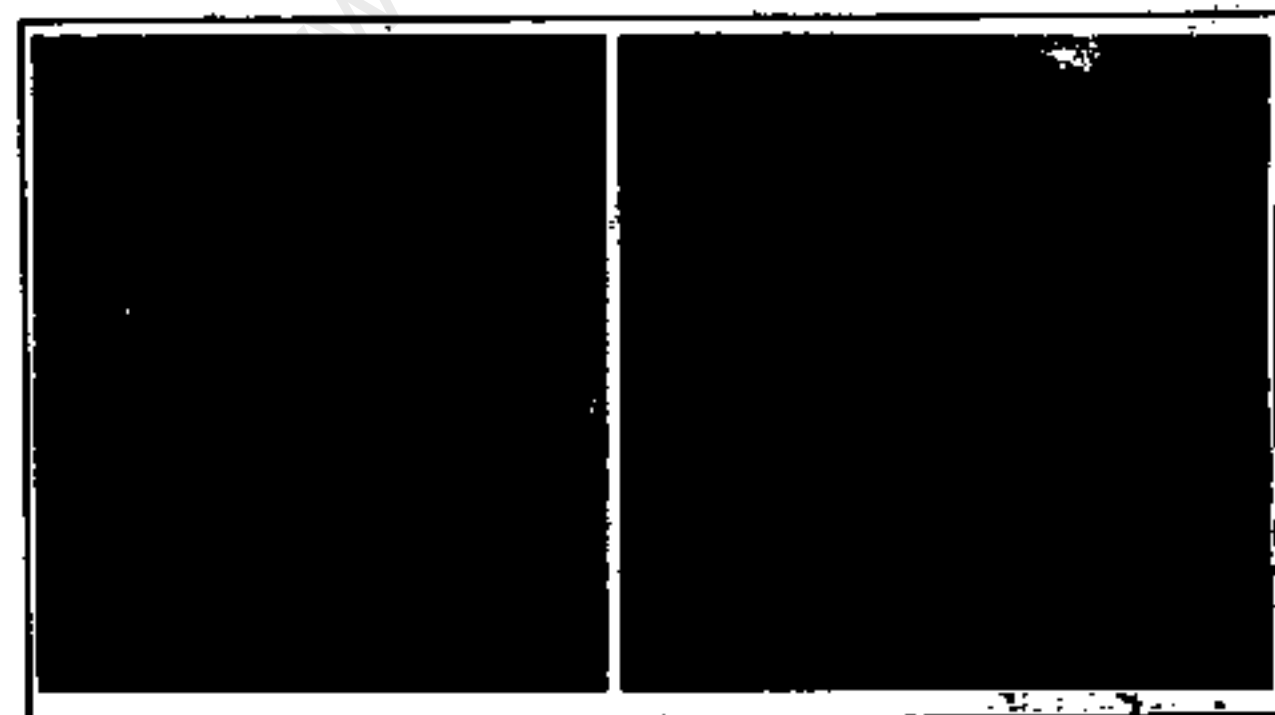
فرا رسیدن ایرانیان و پارسیان و مادها به نجد ایران که به نام ایشان نامیده شد بایستی در حدود هزاره دوم پیش از میلاد بوده باشد. همه فراین موجود نشان می‌دهد که اینان از روسیه جنوبی آمده و همان راهی را در پیش گرفته باشند که خویشان و بستگان نزدیکشان یعنی کیمریان و ساکها در دو سه قرن پس از آنان چون از قفقاز آمدند در پیش گرفتند.

کوششهای اخیر دانشمندان روسی نمودار ساخته است که در سده نهم پیش از میلاد در سالنامه‌های آشوری از ایرانیان در ماورای قفقاز و نواحی مغرب همدان یاد شده است. مادها در کنار دریاچه ارومیه توفی کردند. اما به زودی (شاید به زور دولت اورارتو که در

آن هنگام در اوج قدرت بود) راه جنوب شرقی پیش گرفتند و در پیرامون اکباتان که پایتخت آینده ایشان شد و در اصفهان جایگزین شدند و پارسیان هم به موازات زاگرس و چین خوردگیهای آن تا عیلام آمدند و فرمانبردار پادشاهان عیلام گشتند.
 (در این هنگام از زندگی پارسیان است که در کوههای بختیاری در صفت‌های خالی از سکه پایگاههایی برپا کردند و ساکن شدند.)



صفت مسجد سلیمان از سوی مشرق



کاوش در پرستشگاه بزرگ (آتین هیبیا)

سکوی صفت مسجد سلیمان

چندین پایگاه که پی در پی بارانداز و جایگاه قبایل پارسی شده است پیدا کرده ایم. نام کنونی

این پایگاهها عبارتند از مسجد سلیمان، بردشاند، قلعه بردی و ایذه (مالین) شمی که هر یک از دیگری در حدود چهل کیلومتر فاصله دارد و شعاع بررسی ما با هلیکوپتر و اتومبیل از مرکز کار ما از ۵۰ کیلومتر تجاوز نمی‌کند.

بسی گمان پایگاههای دیگر این مردم در این کوهها از دیدمعا پنهان مانده و باید به انتظار روزی بود که آنها هم یافته و کاوش شوند. این پایگاههای کوهستانی صفات و مشخصات کهن خود را بسیار بهتر از جایگاههای واقع در دشت (مانند پاسارگاد یا تخت جمشید) حفظ کرده‌اند.

نمای اینها همواره یکسان است. نزدیک المانگاه مستحکم رئیس قبیله شهرکی پدید می‌آیند. همه در کنار صدفهای مصنوعی و دست‌ساز که با قطعات سنگهای ناهموار و تراشیده برپا گشته بود، می‌زیختند. راه بالا رفتن بر این صفا از پلکانی بود در کنار آتشگاه.

آتشگاه به شکل سکوی نسبتاً بلندی از صفا بود که آن را هم با تکه‌های بزرگ سنگ برآورده بودند. بر فراز این سکوی بلندتر آتشدانی بود. مراسم و آیین مذهبی را در هوای آزاد و زیر آسمان انجام می‌دادند. این چنین وضع آتشگاهی که می‌بینیم درست مطابق تومسیت هرودوت است در کتاب اول بخش ۱۳۱ که می‌نویسد پارسیان پرستشگاه ندارند و در هوای آزاد برای زئوس یعنی (اهورامزدا) قربانی می‌گذرانند.

نخستین قبایل پارسی در جنوب غربی ایران مانند فرانکهای قرون وسطی که در فرانسه کلیسای اعظم می‌ساختند همه جا صفاهای مقدس برپا می‌کردند. تا بر آن مراسم دینی انجام دهند. در سده هشتم پیش از میلاد گویا پارسیان، در صفاهای کوههای این حدود را در تصرف گرفتند و نزدیک به پایان این سده قبایل پارسی تحت فرمان هخامنش بنیان‌گذار دودمان هخامنشی متحد گشتند. این پاره از سرزمین ایران یعنی فروان یاالت و پایهای گشت برای تشکیل نخستین شاهنشاهی جهانی، که همان شاهنشاهی پارسی باشد.

نخستین ذکری که از ایران دودمان هخامنشی این بخش از ایران در سالنامه‌های آشوری آمده است در تاریخ ۶۴۰ پیش از میلاد است. زمانی که لشکران پروزمند آشور با تهاول شوش تختگاه پادشاهی هیلام را گرفتند و سپس مرکز مهم دینی ایشان در زولوتاش (چغازنبیل) را در آن سوی دیدیده (آبدیز) به تصرف در آوردند و تا ناسه بر ثروت و شهر هیدالو (خوشی) در پای چهارراه زاگرس که تا شوش چنان دولتیست رفتند. در این محل شاهزاده کوروش اول (پدر بزرگ کوروش بزرگ) به نزد فرمانده آشور رفت و پسرش اوروکر را به گروگان داد و بدین گونه فرمانروایی پادشاه آشور را بر خویشتن پذیرفت. بعید نمی‌نماید که المانگاه این کوروش مسجد سلیمان بوده باشد که تا شوشتر بیش از ۶۰ کیلومتر فاصله ندارد.

آنان مذکور در کتیبه معروف کوروش بزرگ که خود را پادشاه آنجا می نامد باید در همین حدود باشد.

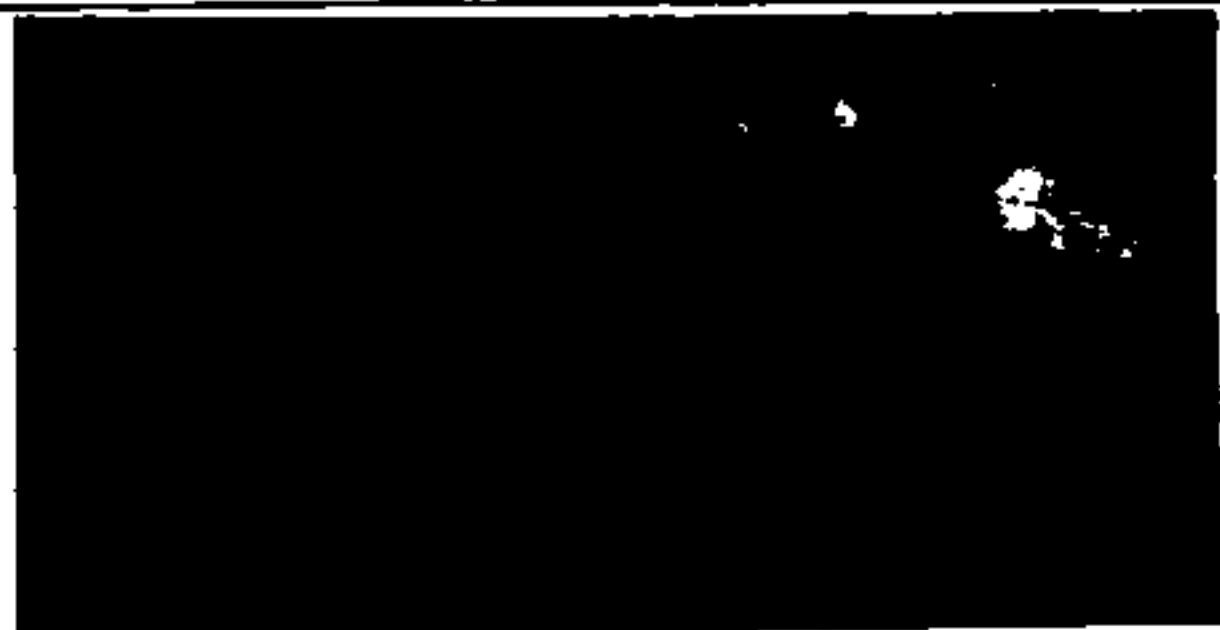
در اینجا تنها از یک صغه در این حدود یاد می کنم که بر آن هیئت باستان شناسی فرانسوی به مدت شش فصل کاوش زیر نظر من کار کرده اند. یک میدان بزرگ پر از ویرانه های بسیار، آتشفگاه رئیس و بقیه مردم شهر را پوشانیده است.

هنگامی که می بایستی کارمان را آغاز کنیم قسمت اعظم صغه را یک گورستان چند صدساله پوشانیده بود. محمدرضا شاه که به کار مهم ما دلچسپی یافته بودند، فرمانی برای انتقال قبرها صادر فرمودند و سرانجام این صغه دیگرگون گشت. ضمناً باید بگویم که مذهب شیعه که ایرانیان از آن پیروی می کنند اجازه می دهد که قبرهای کهنه تر از سی سال را بکاوند.

قسمت شرقی صغه، کهن ترین بخش آن است و آن مرکب است از گوشه ای از سکوی بلند که بر روی آن مراسم دینی انجام می شد. در فاصله میان، مراسم آتش را در اطراف زیرزمینی که در



نمایی از آتشفگاه - معبد سوسیسید



پامهای سرمسجد که با سنگهای صغری ساخته شده است

شمال صفا ساخته شده نگاه می داشتند. یک پلکان به عرض ۲۵ متر، مؤمنان را به روی صفا نزدیک محل مقدس هدایت می کرد و از آنجا که در پایان مراسم نیایش نیایشی از همان راه که آمده اند بازگردند، یک پلکان دیگر در گوشه دیگر ضلع شرقی برای پایین رفتن ساخته اند.

پس از خلیفه اسکندر بر ایران مراسم و آیینهای مورد توجه ایرانیان متیم مسجد سلیمان کاملاً قطع شد و چون پادشاهان سلوکی هزارها تن مقدونی و یونانی را به ایران کوچانیدند مسجد سلیمان گویا یک ایستگاه مهم مهاجران نظامی مقدونی گشت.

از این پس صفا مقدس بسیار دگرگون شد. ضلع صفا سه قسمت شد و دو پرستشگاه دیگر بر آن احداث گشت. یکی نیایشگاهی از آنگونه که معمولاً به «آتن هیپایان» (الهه حافظه اسپان) اهداء می شد و دیگری از آنگونه که به هرقل اختصاص می یافت. یونانیان در برآوردن این مسجد آنچنان عمل کرده اند که به هیچ روی مانع نیایش ایرانیان نشوند. صفا سرتاسری یا دیوارگی به بلندی تقریباً ۱۰ سانتیمتر تقسیم شده و پرستشگاه یونانیان و مقدونیان را از آلوده پرستان جدا کرده است. راه رسیدن به پرستشگاههای جدید هم جدا از پلکان خاص ایرانیان است. پلکانی در پشت اطاق زیرزمینی مخصوص نگاهداری آتش یعنی در شمال صفا ساخته شده و پلکانی هم در سمت نزدیکتر به کوه، برای بیرون رفتن مؤمنان تعبیه گشته است.

این نخستین بار است که به موردی برمی خوریم که ایرانیان و مقدونیان که اولی پرستندگان مزدا و پکتا پرست بودند و دومی شرکاء، در کنار هم در نیایش همزیستی می کنند.

دو هنگام کاوش به پرستشگاهی برخوردیم که آن را معبد بزرگ نامیدیم. معماری آن آمیختگی است از هنر سستی بین النهرین، ایرانی و غربی سپس بر آن شدیم تا پلین تر برویم و بینیم که این سبک معماری در جای دیگری سابقه داشته است.

این کاوش که در زیر زمین معبد بزرگ انجام گرفت، ما را در صدتری پایین تر به بقایای یک معبد کهن تر معرفی کرد که گرفتار یک ویرانی دهشتناک شده بود. در اینجا به بسیاری اشیاء ندری برخوردیم که مؤمنان گلاخته بودند. بسیاری مجسمه‌های سوارکار مقدونی یافتیم که از کلاه ملی ایشان که شبیه به بره فراتسویان است، هویتشان معلوم می‌شد.

بعضی از این سوارکاران سهری داشتند و برخی بر دو اسب سوار بودند. اینان پیکه بودند که در سپاه مقدونی بودند. سومین نوع مجسمه سوارکاری بود که با خود یک بانو خدا یا الهه داشت. یک صفحه مفرغی یافتیم که بانو خدایانی را نشان می‌داد که مجهز به نیزه و سپر بود و بسیاری مجسمه‌های اسب سفالین و لعاب‌داده و یک چراغ سفالین به شکل اسب و یک اسب باندار مفرغی که بر گل کمر ساخته بودند به دست آوردیم. همه اینها ما را بر آن داشت که تصور کنیم این پرستشگاه خاص آن هیپا پستیان جانوران و گروه سوارکاران معروف مقدونی بود. علت اینکه مقدونیان در این ناحیه دور افتاده در میان کوه‌های خشک و دور از مراکز جمعیت، پادگانی این چنین بر پا کرده‌اند چیست؟

این سوارکاران بی‌گمان وظیفه سرپرستی و نگاهبانی یک راه بسیار مهم را بر عهده داشتند که از طریق آن دشمنان می‌توانستند به درون ایران و به کرانه‌های خلیج فارس و دشت پهناور و پر ثروت خوزستان یا سوزیان، کهن و حتی واحه بزرگ مرکزی ایران یعنی اصفهان دست یابند. ویرانه پل کهنی را بر روی کارون که تنها رود قابل کشتی‌رانی ایران باشد در نزدیکی مسجد سلیمان پیدا کردیم. این راه ارتباط کاروان‌رو که در قرون وسطی بسیار پر رفت و آمد بود تا اوایل قرن نهم تا که عصر اتومبیل باشد رونق خود را از دست نداده بود. دولت ایران اکنون راهی ساخته است که از میان این کوه می‌گذرد و راه ارتباطی کهن را زنده خواهد کرد. همه گمان می‌کنیم که آنچه خوش چهارم معروف به ایفان (نام آور) از این راه تا اصفهان رانده و در آنجا به ... م در گذشته باشد.

در این معبد پیدا کردیم مجسمه کوچکی زنی بود بی سر از مفرغ با ... بر جامه‌اش و یک سرجوان پارسی از سنگ سفید بسیار همانند سر شاهزاده جوان همانندی که در حلقه شاهی در تخت جمشید یافته‌اند.



مسجد سلیمان - پرستشگاه بزرگ - سوازان مقدونی و سوارکاران مقدونی که الهه‌ای با خود دارند. تاریخ پی افکندن این پرستشگاه ویران شده را که ویرانی آن باید همزمان با آمدن پادگان نظامی مقدونی در مسجد سلیمان باشد می توان در حدود قرن چهارم پیش از میلاد گرفت. اما سبب ویرانی آن را شاید بتوان به حمله مهرداد اول اشکانی نسبت داد که ایران را از دست سلوکیان گرفت. چون به سده دوم پیش از میلاد بنگریم در این ناحیه جنوب غربی ایران که شاید در قلمرو الیمیان شاهان دست نشانده سلوکیان بوده است، امیران اشکانی نامبرده برای بردن اموال معبد‌های این ناحیه که استرابون (در فصل ۲۱ بند ۸ و ۹) می گوید یکی آن نام داشت، دست به غارت گشودند. این ساختمان مدتی ویران ماند تا آنکه یک پرستشگاه دیگر بر آن ساخته شد که اول بدان برخورده بودیم. این پرستشگاه اخیر به دست ایرانیان و خالصاً برای پرستش خدایان آنان ساخته شده است و ارتباطی با دین یونانیان ندارد. این پرستشگاه دارای دو محراب است که نمودار پرستش در خدا باشد. آیا این خدایان آنهاست و میثرا بودند که هر دو از خدایان برجسته بودند و در زمان ساسانیان اهمیتی شگرف یافتند؟

یک معبد دیگر که بر همین صغه در جای دیگری پی افکنده شده است پرستشگاهی است بسیار کوچکتر از قبلی و خاص هرقل است. در نزدیک آنجا یک مجسمه بزرگ سنگی پیدا شد به بلندی بیش از دو متر از پهلوان خدای هرقل که شیرنمه^۱ را خفه می کند. باز هم مجسمه‌های دیگری از هرقل در درون معبد پیدا شده است با اندازه‌های کوچکتر و همه با سنگ. ویرانی این معبد به قدر پرستشگاه بزرگ نیست.

می توان پذیرفت که این پرستشگاه تا پایان دوران زندگی مذهبی این صغه برپا بوده است. در

۱- Nemée نام دره‌ای است در یونان که هرقل در آنجا شیری را که شرب به آن دوره بود کشت. م

واقع می‌دانیم که ایرانیان به سبب تشابه و همانندی در پیکر هرقل، خدای ورلرغنه خدای جنگ و پیروزی خویش را می‌دیدند.

از آغاز این مقاله گفتیم که پرستشگاههای ساخته شده بر صفت بسیار ویران شده بودند و اشیاء نذری، مخصوصاً مجسمه‌های سنگی که به دست مؤمنان در آنجا گذاشته شده بود شکسته و بعضی سرنگ داشتند و بعضی پیکر و برخی بی‌پایا سایر اعضاء بودند.^۱ ویرانی این پرستشگاهها عجیب بود و موجب شد که این صفت به طور قطعی متروک بنماید.

اول چنین اندیشیدیم که متعصبان مسلمان به سبب وجود مجسمه‌ها و بتها این کار را کرده باشند. اما به زودی این فرضیه را ناچار به کنار افکندیم. چون هیچ آثاری از اسلام چه سفالینه و چه سکه نیافتیم.

بعدها با پیدا شدن صدها سکه پارتی از پایان سلطنت این دودمان و چند سکه از نخستین پادشاه ساسانی که این سکه‌های کوچک، مال نذری آن دوران بودند بر آن شدیم که تا سده چهارم میلادی این پرستشگاه بر این صفت دایر بوده است پس علت این ویرانی عجیب کدام است؟

یک دگرگونی بزرگ در زندگی سیاسی و دینی ایران در سده سوم میلادی پیدا شد. دودمان ملی ساسانی جایگزین پارتیان که بیگانه به شمارشان آوردند یک دین نو آوردند که قدرتی شگرف یافت. آیین زرتشت نیرو گرفت. از موبد موبدان این دین نو که مردی بسیار با قدرت و سخنگیر بود به نام کرتیر در مدت سلطنت چند شاه که همچنان بر مسند خویش استوار بود چهار کتیبه بر صخره‌های فارس بر جای مانده است.

کرتیر در این کتیبه‌ها به آزار مسیحیان و یهود و بوداییان بر خود می‌بالد پس آیین زرتشت که دین رسمی شده بود، اینک هفت دینهای دیگر را برمی‌انداخت و پرستشگاهشان را ویران می‌ساخت. بدین گونه با دور نظر گرفتن تاریخ آخرین سکه‌های آن معبد در می‌یابیم که ویرانگری به دستور کرتیر و به دست موبدان خادم آیین

سر مجسمه هفامنشی از سنگ پیدا شده در پرستشگاه بزرگ (ملکه اهری مینه)

زرتشت روی نموده است. این ویرانگری تنها در مسجد سلیمان روی نموده است، حتی در

۱- این رسم دیرین است که برای گشایش کار پاره‌ای از شیش را به پرستشگاهی می‌افکنند و بقیه را نگاه می‌دارند تا چون مراد گرفتند دو پاره را با هم متحد کنند. م.

دورترین پاره‌های شاهنشاهی ساسانی در آسیای میانه هم چنانکه باستان‌شناسان شوروی یافته‌اند، پرستشگاههای بوداییان ویران گشت. به نزدیک «ترمذ» در کرانه راست آمودریا یا جیحون، پرستشگاهی از آن بوداییان یافته‌اند که دچار همین سرنوشت شده و همین سکه‌ها را در آنجا یافته‌اند.

این سرنوشت مقدس مسجد سلیمان همواره ملازم آن منطقه بوده است. پس از صد سال که این پرستشگاه اخیر در خدمت آیین مزدا بوده است و آتشگاهی محل آمد و رفت مؤمنان زرتشتی بود، آیین دیگری بدانجا راه یافت. این صفت پس از هزار سال که خاص مراسم دینی بود با آمدن مسلمانان یکباره ویران شد و بکلی متروک ماند.

اما یاد این پایگاه مقدس همچنان برجاست و به همین مناسبت آنجا را «مسجد سلیمان» نامیده‌اند. مردم دورانهای مقارن قرون وسطی هرگاه به ساختمانی بزرگ برمی‌خوردند که از گذشته آن خبری نداشتند آن را یا به سلیمان یا به اجته نسبت می‌دادند.

امروزه هنوز هم زنان دهات اطراف بر بالای سکو یا در درون اطاق زیرزمین که جای نگهداری آتش بود شمع می‌افروزند و از حضرت محمد (ص) رسیدن به آرزوهای خویش را می‌خواهند و حاجت می‌طلبند.



تجسسات باستان‌شناسی در سر مسجد

پروفسور گیرشمن باستان‌شناس و ایرانشناس معروف فرانسوی برای پنجمین بار برنامه حفاری و حفاری خود را در ایوان مقدس سر مسجد انجام داد و آنچه که در ذیل از نظر خوانندگان می‌گذرد در ترجمه‌ای از نوشته ایشان می‌باشد.

با دقت و تحقیق بسیار به وجود آتشکده‌ای از عهد هخامنشیان پی بردم. این محراب که متعلق به قرن هفتم تا هشتم قبل از میلاد است، شامل یک سکو با اندازه‌های 20×25 پا می‌باشد. این محراب با سنگهای بزرگ بر روی یک برآمدگی مشرف بر دره‌ای که ۱۵ پا از آن فاصله دارد بنا شده و از اطراف و حتی از کیلومترها فاصله قابل رؤیت است. چند قرن پس از بنای این محراب، بخش شرقی آن احتمالاً بوسیله لغزش توده‌ای از کوهسار که بسوی دره پیش می‌رفت منهدم گردید. پس از آن یعنی در عهد ساسانیان، قسمت بالیمانده محراب مذکور ارزش قدیمی خود را از دست داد و اطافکی سه دیواری در رأس آن بنا گردید.

مطالعه و بررسی پیرامون ناحیه‌ای که تا به امروز کمانه‌زنی شده است این نکته را برای ما روشن می‌سازد که بین معابدی که در دوره بعد از اسکندر مقدونی وجود داشته رابطه‌ای موجود است. از بخش شرقی محراب قسمتی که شامل آتشکده بوده برای عبادت ایرانیان استفاده می‌شده است. قسمتهای مختلف معبدها که در سمت غربی ایوان مقدس ساخته شده ابتدا به خدایان یونان اختصاص داده شد و پس از آن به خدایانی که از تلفیق اعتقادات مذهبی یونان و ایران بوجود آمدند اختصاص یافت. هر بخش دارای مدخل و همچنین پلکانی است که جهت نزدیک شدن و خارج شدن از مکانهای مقدس مورد استفاده قرار می‌گرفته است. در سمت غربی آتشکده سه معبد دیگر نیز ساخته شده که یکی به هراکلیوس، دیگری به خدائی مجهول (نام او از نظر باستان‌شناس مجهول است) و سومین و بزرگترین معبد احتمالاً به آتنا (یکی از بزرگترین خدایان آسمانی الهیاد که در شهرهای مختلف یونان پرستش می‌شده و در امور جنگ و صلح او را دارای بصیرت کامل می‌دانسته‌اند) اختصاص داده شده است.

این معبد که ۳۰۰ سال قبل از میلاد مسیح ساخته شده، در حدود ۱۵۰ سال پس از آن احتمالاً بوسیله پارتها ویران گردید. اکنون در خرابه‌های آن چندین هدایای نذری از لیل مجسمه‌های کوچکی از سوارکاران مقدونی یافته شده است. یافته شدن مجسمه‌های مزبور این موضوع را برای ما روشن می‌کند که در آن زمان تشکیلات نظامی در مسجد سلیمان وجود داشته است و علت این امر نیز دفاع از مهمترین جاده‌ای که در آن زمان خلیج فارس را به استان شوش متصل می‌کرده است. قوای نظامی مزبور جهت محافظت از مدخل جلگه مرکزی و پایتخت آن اصفهان نیز بوده

است. جاده مذکور در قرون وسطی نیز مورد استفاده قرار می‌گرفته و سپس به جاده سلطان معروف گردیده است. در کمانه زنیهایی که تاکنون از ناحیه سر مسجد انجام شده، اشیاء جالبی یافت شده است که از همه جالب تر سر زینبای مردی هخامنشی که از سنگ سفید حکاکی شده و دیگر سر ملکه‌ای بنام ایلیمید (Elymide) که متعلق به یک و نیم تا دو قرن بعد از میلاد است می‌باشد.

بردنشانده (قدیمی ترین عبادتگاه ایرانی)

هروقت مورخ یونانی که در زمان هخامنشیان یعنی ۲۵۰۰ سال پیش سیریزست می‌گوید: ایرانیان معبد سر پوشیده نداشتند. قربانی به اهورامزدا که بزرگترین بیخ^۱ بود، بر قلعه کوهها انجام می‌دادند.

هیئت باستانشناسی فرانسه در بهار سال ۱۳۴۲ شمسی در بردنشانده که در ۲۴ کیلومتری شمال مسجد سلیمان قرار دارد، یکی از این معابد را که تشریفات مذهبی آن در هوای آزاد انجام می‌شده، کشف نموده است.

این عبادتگاه عبارت از: محوطه وسیعی می‌باشد که اطراف آن را دیوارهای آریپ‌دار احاطه کرده است. دورشته پلکان سنگی، یکی از غرب و دیگری مجل تر از طرف شمال، بسوی سطح طوقانی هدایت می‌کنند. در مقابل آن، فرورفتگی خرفه‌مانندی است که بر سنگ آن صحنه‌ای از آداب مذهبی نقش شده. این صحنه، شاه را (که از نوار بلند تاجش شناخته می‌شود) هنگام اجرای رسوم مذهبی جلوی آتش نشان می‌دهد. در مقابل او یک روحانی و در پشت او یک خادم پنجم می‌خیزند. دو نفر نیز پشت سر شاه دیده می‌شوند که از درباریان می‌باشند. این سنگ بر سر راهی است که به عبادتگاه هدایت می‌کند. معبد در ۲۵ متری محلی که پلکانی به سطح بالای کوه هدایت می‌کند واقع شده و عبارت از یک پایه مربع بصلح پنج متر است که از سنگهای بزرگ بنا شده. سه بار در دوران تاریخ این پایه که سابقاً بر بالای آن یک آتشدان وجود داشت، تغییر یافت و توسعه پیدا کرد.

اشیائی چند که هنگام حفاری بدست آمد، نشان می‌دهد که پایه اصلی در دوره هخامنشی ساخته شده، از اینرو این قدیمی ترین عبادتگاه کیش دیرین ایرانیان است. کشف یک عبادتگاه در هوای آزاد که متعلق به ۲۵ قرن پیش باشد موفقیت جالبی است برای آشنایی به گذشته ایران. عبادتگاه بردنشانده قرن‌ها مورد استفاده قرار می‌گرفته. نقوش برجسته روی سنگها در دوره

در این بنا حجاری شده و ساختمان آن متعلق به دوره هخامنشی می باشد و مربوط به تاریخی است که پیش از ساسانیان است. از طرفداران پرستش لهورامزدا بوده اند و خواسته اند بدینوسیله برای ابد نام خود را بر این بنا ثبت کنند و در مقابل قربانی که کرده اند مورد لطف و مرحام یزدان واقع شوند. در این خوش متعلق به سر مردی است که شاید شاهزاده‌ای بوده است.

این سنگ نام محل سنگ برجسته است. زیرا «بژد» بزبان بختیاری هم بمعنی سنگ است. در سطح برداشته قدیمی ترین استخر ایرانیان قرار دارد و این محل را شهر استخره می نامیدند. در کنار استخره یک سنگ با ارتفاع ۳/۵ متر دیده می شود که وجود محل آب را مافوق می سازد. این سنگ لرنها بصورت برافراشته بود و متأسفانه در پاییز سال ۱۳۷۳ شمسی بطور شگفت انگیز و ناراحت کننده ای توسط افرادی ناآگاه به آثار باستانی کشور پرگور ایران کنده شد و آن را بر زمین افکندند.

پس از مدت اندکی جناب آقای بهرامی، سرپرست محترم اداره میراث فرهنگی شهرستان مسجدسلیمان با کوشش فراوان و پیگیری های مستمر تصمیم گرفت تا این سنگ کهن برافراشته را در جای اولیه اش بگذارد. نویسنده از زحمات و تلاشهای صادقانه آقای بهرامی و سایر همکارانش در استان خوزستان که در ترمیم آثار و ابنیه تاریخی فعالیت دارند، تقدیر و تشکر می نماید و خواسته همیشه او این بوده است که:

«ایا ملک ایران پزی جاودان»

پادشاهای مملوک کالج راجع به برداشته:

حجاری برداشته که تقریباً تعلق آن به دوران اخیر پارتی قطعی است نیز اثری باشکوه است. زیرا در این محل ۵۰۰۰ سکه هیلانی کشف شد. در میان اشیاء نذری نقش برجسته ای پیدا شده که امیری را در حال پرستش آتش نشان می دهد و بر یک ستون در صفحه پایین، پیکر چهار تن که ناشیانه پرداختند نقش شده. این عمل در سوره تحت تصرف روم هم رایج بود ولی میزها و معیارهای عالیتر هنری گویا غالباً در مرزهای شاهنشاهی مانند الحضر و هالمیر در سوره و در طبر و کوشانیان حفظ و نگهداری شده بود. شاهان فرودست پارس از اواخر پادشاهی بلاش و پنجم دست بکار ضرب سکه بردند. سکه های ایشان بسیار از لحاظ طرح و کیفیت بهتر از سکه های اشکانیان آن زمان بود. اگر اشکانیان می توانستند از آینده خبر دهند، می توانستند دریابند که این دودمان شاهان پارس یعنی وارثان هخامنشیان، ایشان را برخواهند انداخت.

کارشهای برداشته:

هیئت باستان شناسی شوش که اکتشاف زیگورات چغازنبیل را انجام داد در اواخر سال ۱۳۴۵

شمسی به بردشاندن واقع در نزدیکی مسجد سلیمان انتقال یافت و در آنجا با استفاده از تسهیلاتی که شرکت ملی نفت ایران برای هیئت مزبور تأمین نمود روی یک تراس عظیم مصنوعی که تصور می‌رود در دوران هخامنشیان ساخته شده باشد به کاوش پرداخت. پس از کاوشهای طولانی سه عبادتگاه در این محل کشف شد که یکی از آنها متعلق به هراکل می‌باشد و مجسمه هراکل با ارتفاع بیش از دو متر در این معبد از خاک درآمده و کشف گردید ولی به سه قطعه شده و نزدیک در پرستشگاه افتاده بود. مجسمه هراکل (خدای فرمان) در حالیکه شیر تومنه^۱ را خفه می‌کند نشان داده شده است.

یک پیکره سنگی دیگر از هراکل نیز در اطاق پستی پرستشگاه یعنی در راهروی معبد یافته شده که موهایش نشسته و به شکل نیمتاج آرامه شده و در یک گوش، گوشواره‌ای دارد و در حال دها می‌باشد. یک پیکره بی‌سوز یک زن در ساختمان همسایه پرستشگاه هراکل پیدا شد. در آنجا این مجسمه را به جای مصالح در میان دیوار کار گذاشته بودند. در پرستشگاه هراکل یک نقش برجسته یافته شده که شاهزادمای را نشان می‌دهد که شاخ هممان (برای وفور نعمت) بر دست دارد و در برابر یک آتشدان نیایش می‌کند و قربانی می‌گذارند. تاریخ این آثار از قرن اول میلادی قدیم تر نیست. همچنین مجسمه‌ها و آثار دیگری مربوط به دوره پارتها در این محل کشف گردید که به موزه شوش انتقال داده شد.

بمناسبت هفتادمین سال فعالیت‌های این هیئت باستانشناسی، موزه شوش در نزدیکی قلعه شوش بنا گردیده که در اصفه سال ۱۳۴۴ شمسی از طرف طرح پهلوی افتتاح گردید و جشن گرفته شد. یکی از جالب‌ترین اشیاء موجود در این موزه که نزدیک قلعه شوش بنا گردیده، ستونی از دوره پارتها و مربوط به قرن دوم میلادی است با نقش‌های برجسته زینت داده شده که در (برداشتانده) کشف گردیده و اکنون در باغ بزرگی که پیرامون موزه شوش احداث شده قرار دارد و شکوه خاصی به موزه مزبور بخشیده است و نظر هر بیننده‌ای را به خود جلب می‌کند.

کشف دو آتشکده پارتی در مناطق نفت خیز ایران

در شماره مورخه ۱۹۶۴ میلادی (پیرماه ۱۳۴۳) مجله اخبار مصور لندن از شرح اقدامات و کشفیاتی که بوسیله هیأت باستان‌شناسی فرانسوی در بردشاندن بختیاری انجام شده بود سخن رفت و اینکه بی‌مناسبت نیست که از سومین مرحله کاوشهایی که در این ناحیه، در بهار سال

۱- Nance نام دژ می‌است که شیری همیشه در آنجا به شکار و ویرانگری می‌پرداخت و سرانجام

هراکل آن شیر را کشت و مردم را از گزند او رهایی بخشید.

۱۹۶۳ (۱۳۴۵) اجرا شد نیز مخفی گفته شود.

بردناشده محلی است در ناحیه بختیاری و در دامنه زاگرس، بمفاصله خیلی کمی از خلیج فارس واقع است و این منطقه در قلب سرزمینهای نفت خیز ایران قرار دارد و هیأت علمی کاوشهای باستان شناسی فرانسوی با همکاریهای صمیمانه اولیای کسر سیوم نفت ایران از جمله آقایان جی. واردو و دو. ه. ماگنس که تسهیلاتی در این راه فراهم ساختند، توفیق یافت کاوشهای خود را در این ناحیه دنبال کند.

هیأت باستان شناسی فرانسوی در این محل موفق به کشف آتشکده ای گردیده است که اینک بشرح آن می پردازیم:

خاکبرداری از روی قسمت فوقانی این پرستشگاه که محل فروختن آتش بوده است موجب شد که نمای شمالی آتشکده نمایان شود. این نما بوسیله پلکانی بزرگ و باشکوه به دو قسمت تقسیم شده و در هر یک یک ستون چهار گوش که بر پایه ای بنا شده تکیه دارد. سال گذشته هیأت حفاری فرانسوی در این محل کشف کرد که در این آتشکده سنگ حجاری شده موفق گردید که متعلق به دوره پارسی میانه باشد. این قطعات باطراف پراکنده شده بودند.

این آتشکده در وسط این محله از یک طرف قرار دارد و پانزدهم که در بین قطعات کشف شده است بر نقش کنگره ای که در این آتشکده کشف شده است است. این آتشکده دارای سهیل و روشی شبیه به سیکلور و زینالون سوم می باشد. در قسمت پایین پرستشگاه که تاریخ بنای آن نسبت به قسمت بالا، جدیدتر است (سالهای اول میلادی) یکی از شاهزادگان محلی ساختمان مغردی شامل سه اطاق مستطیل شکل بنا کرد، که از داخل به یکدیگر راه ندارند. درهای این سه اطاق باورانی که دارای یک ردیف ستون می باشد باز می شود. در طول این نمای واقعی است که سقف آن روی دو ردیف ستون (هر ردیف مرکب از هشت ستون) قرار دارد و از این ستونها فقط پنج ستون باقی مانده که همگی دارای اشکال مختلفی هستند و در حال حاضر در اطراف این بنا روی زمین پراکنده شده اند. روی یکی از این ستونها نقش چهار نفر حجاری شده است. این نقوش برجسته بوده و نسبتاً خالی از ظرافت می باشند. در نزدیکی این ستون سر ستونی افتاده است که دارای نقشهای برجسته در چهار طرف می باشد. باین ترتیب که روی دو طرف آن تصویر دو شاهزاده نقش شده که دست راست خود را به نشانه عبادت یا سوگند بلند کرده اند بطوری که کف آن بطرف خارج است. در طرف سوم، سر ستون نقش یک رب النوع زن^۱

با نیزه‌ای در دست و روی طرف چهارم آن نقش یک رب‌النوع مرد که او هم نیزه‌ای در دست دارد دیده می‌شود. (تصاویر ۳ و ۴)

سر ستون دیگری هم در نزدیکی سر ستون اولی افتاده که شکسته و چند تکه شده است. این سر ستون تقریباً نظیر اولی است و در سه طرف آن نقشهائی بشکل گل داودی همراه با پیچک دیده می‌شود، ولی طرف چهارم منقوش نیست. این سر ستون متعلق به یکی از ستونهای ردیفی است که مقابل دیوار نمای سه اطاق عمارت منفرد قرار گرفته و چون سه طرف آن در معرض دید قرار داشته فقط روی همین سه طرف کار شده است.

بنای منفرد که دارای سه اطاق است مانند بقعه پرستشگاه، منهدم و خراب شده است و در نتیجه بعضی از کارهای هنری چه سنگی و چه مفرغی، خرد و نابود گردیده است. فقط بعضی از تکه‌های کوچک از دست تطاول و دستبرد مصون مانده است. بطوری که معلوم است در گذشته مجسمه‌های مفرغی، بسیار در این پرستشگاه وجود داشته که امروزه فقط بعضی از قطعات کوچک آن را می‌توان یافت. در میان قطعات کوچک، یک مجسمه کوچک مفرغی (تصویر ۵) متعلق به یک شاهزاده محلی وجود دارد که دارای سیل و ریش نوک تیزی است و موهای این شاهزاده در یک نیم تاج بسته و شلوارش داخل چکمه قرار گرفته است و نوک پای چکمه نیز بصورت برگشته می‌باشد. این شاهزاده مانند امپراطوران، شاخ بزی شبیه شاخ بز افسانه‌های یونانی که احتمالاً نشانه وفور نعمت و آبادانی کشورش می‌باشد در دست چپ دارد و در دست راست نیزه‌ای بعلامت قدرت داشته که مفقود شده است.

نزدیک این مجسمه مفرغی، مجسمه کوچک شربی دیگری بدست آمده که نماینده یک جنگجوی اشکانی در لباس محلی خود است.

از جمله آنچه که از دست دزدان و غارتگران مصون و باقیمانده است نزدیک به پنجهزار (۵۰۰۰) سکه مفرغی هیلامی است که بنظر می‌رسد آنها را در مدخل در مرکزی کاخ پخش کرده و روی آنها سه قطعه سنگ بزرگ قرار داده بودند. بررسی و مطالعه این سکه‌ها بدون شک ما را به یک طبقه‌بندی صحیح قادر می‌سازد و نکات و اطلاعات تازه‌ای درباره این جلسله پادشاهی که ناشناخته مانده است، روشن خواهد ساخت. بمفاصله تقریباً ۲۵ کیلومتر از بردنشانده در مسجد سلیمان پرستشگاه دیگری است نظیر پرستشگاه اولی که دارای محلی برای برالروختن آتش بوده است و فعلاً در زیر یک مقبره عظیم بالنسبه جدیدالتأسیس واقع در قبرستان محلی پنهان است. بواسطه فراوانی سنگهائی که متعلق به کوههای اطراف این منطقه می‌باشد، تمام قبرهای این گورستان بوسیله تخته‌سنگهای عظیم پوشانیده و محصور شده است. ولی روی یکی

این بجاى تخته سنگ، یک لقمه بزرگ از مجسمه یک اشرافزاده اشکانی قرار دارد و لباسی که بر تن این اشرافزاده اشکانی است یک قبای بلند چین دار است. (تصویر ۶) سایر مجسمه های این پرستشگاه مربوط به پیروان آتشکده است که احتمالاً آنها را در حالت عبادت برپا کرده اند و بنابراین جای این مجسمه ها گرداگرد پرستشگاه بوده است. پیش از اقدام به حفاری در این ناحیه، کشاورزان دهات اطراف که در پیرامون این پرستشگاه به کشت و زرع مشغول بوده اند، سر مجسمه ای سنگی یافته بودند که متعلق به ملکه ای بوده که موهای سرش را از پشت در یک نیم تاج مزین بگل بسته است. (تصویر ۷) و همچنین سر یک مرد با آرایش خاص سرها و طرح ضرب آن که مانند فلس های ماهی روی یکدیگر قرار گرفته نیز بدست آمده است. (تصویر ۸).

قلعه یزدی: (اولین ایستگاه دائمی قوم پارس و زادگاه اصلی کوروش هخامنشی در ایران) وجود یک ایوان مقدس در یکی از نواحی کوه های بختیاری بخش اندیکا برای من اوج کاسیج آرشیوتکت هیئت تا حدودی آشنا و محقق بود. اما چگونه می بایست محل این قلعه سنگی و قلعه بردی که بنظر می رسید تا قلعه متروک «قلعه لیت» چندان فاصله ندارد مشخص شود، خود مثالی بود.

همه سفرهای باستانشناسی همیشه می بایست با نقشه و عکسهای هوایی شروع شود. بنابراین ما به اداره نقشه کشی شرکت سهامی اکتشاف و تولید نفت ایران واقع در مسجد سلیمان مراجعه کردیم و محل ایوان مقدس و قلعه مزبور را پس از چند ساعت تعیین نمودیم. اما دست یافتن به این خطه، خود مشکلی دیگر بود. با کاروان؟ این وسیله ای بود که چند سال قبل برای بازدید از تنگ و پابدا گروتو به آن محل رفتیم. اما دیگر امروزه این وسیله فقط خاطره ای است از سالهای گذشته.

بنابراین وسیله دیگری برای سفر به آن منطقه لازم بود. یک فروند هلیکوپتر، پس از بیست دقیقه ما را به محل مورد نظر رسانید. ساختمانی با عظمت و ۲۸ قرن قدمت، با دیوارهایی به بلندی ۳۰ فوت که مشرف بر نهری که اطرافش را درختان و خار فرا گرفته بودند دیده می شد و هنوز هم چشمگیر بود. در این قلعه قرنها است که انسان زندگی نکرده است. در جلو آن بر روی قلعه یک کوه، لقمه ای مربوط به قرون وسطی که در هر گوشه آن برجی مدور مستقر بود، بچشم می خورد که آن را «قلعه لیت» گویند و خوانین بختیاری از جمله ایلخانی و ایلبگی هم سالهای متمادی در آن ایامت داشتند و حکومت می کردند.

خوانندگان محترم از سابقه تاریخی ایوان مقدس در «بیردندان» و ایوان مقدس در

«سر مسجد» و همینطور «قلعه بردی» در اندیکا و چهارمین ایوان مقدسی که در ناحیه شمی نزدیک ایزه کشف شده است آگاهی دارند. می توان گفت درون همه دره های ناحیه کوهستانی بختیاری که در نزدیکی استان فارس واقع شده یک یا چند محراب وجود دارد که پاسخ آن را در آغاز تاریخ ایران می توان دریافت کرد. احتمال می رود که پارسیان و مادها از تقفاز عبور کرده و در هزاره دوم قبل از میلاد در جنوب دریاچه رضاییه «ارومیه» سکنتی گزیده باشند. از اینجا است که ما می توانیم برای اولین مرتبه و از اواسط قرن دهم قبل از میلاد، از سوابق تاریخی پادشاهان سلسله آشوری آنها را دنبال کنیم.

از آن زمان به بعد، مادها بسوی جنوب شرقی در ناحیه اکباتان «همدان» و باز هم پیشتر بطرف دماوند پیش رفتند. از طرف دیگر پارسیان در امتداد رشته کوه های زاگرس سرگردان بودند تا آنکه در اواخر قرن هشتم قبل از میلاد در خوزستان و فارس سکونت کردند. قبایل زیادی که همگی چادر نشین بودند، دره های کوه های بختیاری را اشغال کردند و قسمتی از دودمان عیلامیها را بوجود آوردند. رؤسای آنان نیز پادشاهان عیلامی را بر سمیت شناختند. هر دره وسیع به گروهی اختصاص داشت و شاهزاده هر گروه قلعه ای برای خود بنا کرد که در اطراف آن شهر کوچکی بنا گردید. این گروه ایوان مقدس خود را بطرفی بنا کردند که در رأس آن آتشکده ای ساخته شد. نظر هرودوت مورخ معروف قرن پنجم قبل از میلاد این است که پارسیان در آن زمان معبدی نداشتند و مراسم مذهبی خویش را در قله کوهها انجام می دادند. در حقیقت، در «برد نشاند» و همچنین در «سر مسجد»، محراب هخامنشیان بشکل سکویی است که در رأس آن جایگاه آتش مقدسی ساخته شده است. آتش داخل اطاق مخصوص نگهداری می شده و به هنگام انجام مراسم مذهبی از آنجا بیرون و در اطراف محراب برده می شده است.

ما از بقایای آثار هخامنشیان پی برده ایم که ایوان مقدس سر مسجد در آن زمان وجود داشته است، ولی شواهد تاریخی ثابت می کنند که قبایل پارسی در منطقه ای بین شوشتر و ایزه یعنی مسجد سلیمان فعلی، تشکیل گردیده بودند.

در سال ۶۴۰ قبل از میلاد، آشور بانیپال پادشاه آشوری بر پادشاه عیلام خلیه کرد و شوش پایتخت او را به تصرف در آورد. در تعقیب آخرین پادشاه عیلامی، آشوریها چغازنبیل را که در آن زمان «در آتاش» نامیده می شد اشغال کردند. آنها از آب دز گذشته و به ناحیه شوشتر رسیدند. در آنجا به شاهزاده ای بنام کوروش «پندوزوگ» کوروش کبیر» برخوردند که پسرش را بعنوان گز و گان و همچنین قبول قدرت آشوریها به آنان سپرد. کوروش، از ناحیه ای اطراف مسجد سلیمان می آمد. بنابراین غیر ممکن نیست که مسجد سلیمان را پایتخت او بدانیم، محلی که یک قرن پس از

آن اولین امپراطوری جهان در کشور پارسیان پایه گذاری گردید.

آثار قدیمه بختیاری در منطقه نتهری^۱

در نزدیکی تنگه سا اولکک (صعلوک) در کوه سیاه^۱ آنجا اشکالی است از جمله شکل یکی از پادشاهان که چیزی را تقدیس می نماید و شیئی شبیه مانندی را بدور آن چیز قرار می دهد. پانزده پادشاهانی در دو صف بحضور آن می هستند. کلاه آنها مخروطی و گیوانشان انبوه است. لباس ایشان با آستینهای بلند و دو شلوار یکی کوتاه و یکی بلند پوشیده اند. در آنجاست اشکال دیگر از جمله یک نفر سوار مسلح که تیرو کمان و نیزه دارد با حیوانی خرس مانند جنگ می کند. در آنجاست صورت زنی که در رختخواب خوابیده گیوان انبوه دارد، در دست راست او چیزی است مانند سبزه و سه نفر مرد مواظب حال او می باشند و گویند آن زن شاید صورت ملکه باشد و چنین استنباط نموده اند که آن اشکال را باید اشکانیان ساخته باشند. لازم به ذکر است که در منطقه لیهری طوایف محترم گزائی، هلاسوند، عرب، راهدار و گروهی از طایفه نصیر ملک زیادی دارند و سالهاست که نسل اندر نسل در آن محل، باصفا و صمیمیت زندگی می کنند.

بینه وار منطقه لالی، عمارت بنه وار که بمنزله قصر است، باشکوه و وسیع می باشد و تمام خوانین بختیاری در آنجا محض اینکه در جوار خان و رئیس خود بوده باشند برای فشلاق، عمارات مخصوصه ساخته بودند. عمارات خوانین اجداد ما تا این زمان در آنجا موجود است و تمام این ساختمان امروزه منگروه است. فقط آثاری از آن ابنیه بجای است که مشایخ قوم خبر می دهند که فلان نقطه، تقاره خانه و فلان نقطه دفترخانه و فلان نقطه فراشخانه بوده.

و در دو مکان مزبور محل اسب تازی و گوی بازی بوده که خوانین در آنجا مشغول به اسب تاختن و گوی زدن بوده اند و آثارش بخوبی این مسئله را به ما نشان می دهد. این خانواده به هلاکت ابوالفتح خان انقراض یافت. بعد از نادر شاه که کریمخان و علیمردان خان و ابوالفتح خان با هم دست اتحاد برای پیشرفت امور مملکت داده بودند.

کریمخان تقض عهد کرده، ابوالفتح خان را بقتل آورد بعد از چندی علیمردان خان نیز مقتول شد و سلطنت به کریمخان رسید. علی صالح خان تا اوایل سلطنت کریمخان حیات داشت، چنانکه از فرمان او معلوم می شود.

کریمخان که با اسم شاه اسمعیل صفوی سلطنت می کرد فرمان مزبور را از طرف شاه اسمعیل به

۱- در زبان محلی به آن «کوه شنه» می گویند.

۲- شغ: کسی است که پیرو دین زرتشت باشد و آتش پرست را نیز گویند.

ابدال خان پسر علی صالح خان داده است. شاه اسمعیل مزبور همان میرزا ابوتراب صفوی است.
نتایج تحقیقات ماکسیم سیر و راجع به مسجد سلیمان :

آتشگاه وسیع مسجد سلیمان که خرابه‌های آن در میان چاههای فعال شهرک نفتی و مدرن میدان نفتون^۱ قرار دارد، در بیننده حالتی وصف ناشدنی حاکی از آرامش و عظمت برمی‌انگیزد. معماری این آتشگاه، با در نظر گرفتن آثار باقی مانده، چنان بوده که به پدیده‌هایی که منشاء زیرزمینی ولی جنبه تقدس و الوهیت داشته‌اند ارزش و اعتبار می‌بخشیده است. امروزه نیز ساکنین خانه‌های مجاور دوست دارند از قدرت دیو‌هایی که بازیهای شیطانی آنها بر این صفت‌های سخت و محکم - که توسط خود دیوها ساخته شده - غوغا به پا می‌کرده داستانها حکایت کنند. در حال حاضر این منطقه همچون ردیفی از سکوها به نظر می‌رسد، سکوهایی که وظیفه هر یک از آنها با دیگری متفاوت بوده است.

وقتی این سکوها را از طرف شرق به غرب زیر پا بگذاریم ملاحظه می‌کنیم که اولین سکو بیشترین راه ورودی را دارا می‌باشد. سه پلکان به این سکو راه دارند که یکی از آنها با عرض ۲۲ متر بیش از ۲۲ پله دارد که پاگردی بین آنها جدایی انداخته است. بر صفت غربی که تقریباً کمی بالاتر قرار گرفته تختگاهی مستطیل شکلی قرار دارد که زیربنای آن از سنگهای تراشیده است. صفت ثاتوی دیگری با وسعت کمتر در سمت شمال وجود دارد. تمام این مجموعه را دیواری سنگی از سه جهت دور گرفته است. این دیوار با چند جهش عمودی تا پای تپه‌ای به ارتفاع ۲۵ تا ۳۰ متر امتداد دارد.

صفت شرقی خصوصیتی دارد که، با دیدن آنها این تصور پیش می‌آید که این فضا به مراسم بزرگ عمومی اختصاص داشته است. این خصوصیات عبارتند از: ابتدا - همان طور که قبلاً گفتیم - تعداد ورودیهای آن و سپس وجود بنای کوچکی که بر حاشیه ضلع جنوبی ساخته شده است. در واقع از این بنا چیز زیادی باقی نمانده ولی از روی همین بقایا می‌توان نقشه آن را که اتسافی چهارگوش بوده در نظر آورد. در ضلع این اتاق دارای روزن است. ضلع شمالی با درگاهی وسیع و ضلع جنوبی با پنجره‌ای کوچک. این بنا که با لئوسنگ و بدون استفاده از ملاط ساخته شده^۲

- ۱- منطقه مسجد سلیمان، که آقای مرتضی در اثر خود مرسوم به «تاریخ باستان‌شناسی ایران» به آن اشاره کرده (ص ۹۳) در اختیار شرکت نفت ایران و انگلیس قرار دارد.
- ۲- امکان دارد ملاط دیوارها از گل بوده باشد، ولی این امر قطعی نیست زیرا از بین رفتن این ملاط باعث نشست دیوار می‌شده و در نتیجه تخریب کامل آن را به دنبال می‌آورده است.

نشانگر آن است که سقف آن - با قبول این فرض که سقفی داشته - به احتمال زیاد مسطح بوده نه گنبدی. و اما هدف واقعی از بنای این ساختمان چه بوده؟ احتمال دارد که این جا نقطه‌ای بوده که گازهای زیرزمینی از آن بیرون می‌زده ولی به گمان ما احتمال این که این پدیده در وسط تختگاهی به وقوع پیوسته باشد بیشتر است. چرا که در آن جا زمیث نشست کرده و نشان می‌دهد که زیرزمین دارای خلل و فرج یا حتی خالی بوده است. وقتی وجود شیبی را (در زیر دیوار نگاهدارنده) که به صفت شمالی منتهی می‌شود در نظر بگیریم این فرضیه (که با اقدام به حفاری، صحت یا عدم آن را می‌توان معلوم کرد) ارزش پیدا خواهد کرد. از آنجا که این سراشیب بی‌جهت و از زوی هوا و هوس ساخته نشده جا دارد تصور کنیم که به زیرزمین یا حجره‌های زیرزمینی که کاربرد خاصی داشته^۱ و در حال حاضر پرومستور شده منتهی می‌شده است. به این ترتیب نتیجه می‌گیریم که این زیرزمینی زیربنای پلکان و سکو بوده است. اگر قبول کنیم که آتش در وسط تختگاهی شعله‌ور بوده، بنایی که در جنوب آن برپا شده می‌تواند به عنوان یک تریبون یا کرسی برای شخصیتی بلند پایه در نظر گرفته شود.

قسمت اعظم صفت بزرگ غربی را یک گورستان اسلامی زیرورو کرده است. ولی سکوی مستطیل شکلی که کمی بالاتر قرار گرفته به وضوح به چشم می‌خورد. دیوار قطوری که به عنوان زیر بنا به کار رفته بسیار عالی ساخته شده و هر سنگ آن - که دارای زوایای تیز و برجسته است - به دقت مسطح و صاف شده است.

بی تردید برخیزند. بالایی این دیوار زیر بنا، حصاری بلند قرار داشته که چندین ساختمان یا حتی دیوارهای خارجی یک کاخ را احاطه می‌کرده است. ضلع شمالی این دیوار رو به زمینی صاف و هموار است که به احتمال زیاد یک باغ بوده است. اگر این امر صحت داشته باشد، آثار باقی مانده از دو دیوار با ارتفاع کم که با زاویه قائمه از پایه اصلی جدا شده‌اند نشانگر آن است که نمای شمالی کاخ یا دیوار حصار را تراسی سرپوشیده آذین می‌کرده است، چرا که نمای جنوبی، هشت متر مانده به حصار، آن جا که پلکانی مخصوص تعبیه شده ختم می‌شده است. ساختمانهایی دیگر، با ظاهری حقیر، در پای تپه برپا شده‌اند که از آنها فقط پایه‌هایی با خرندهای نمایان برجای مانده است. توجه به این حقیقت که در این مکان هیچ آثار ریزش در محور توجهی دیده نمی‌شود، این حدس را تقویت می‌کند که قسمت فوقانی همه ساختمانها از خشت خام خشک شده در آفتاب بوده است (حدسی که در مورد بناهای سابق الذکر نیز صادق است)

۱- احتمال دارد این حفره‌ها برای انبار کردن گاز یا تنظیم آن به کار گرفته می‌شده است.

حال خوب است که از تپه بالا رفته نظری به بالای آن بیندازیم. نوک تپه با دقت و وسواس از هرگونه سنگ و شنی پاک شده و به شکل یک تختگاهی درآمده است. احتمال دارد که این مکان جزئی از ملحقات آتشکده پایین به شمار می‌رفته است.

با بررسی مصالحی که در قسمتهای مختلف این گستره به کار گرفته شده درمی‌یابیم که ساختمانها به اعصار گوناگون تعلق دارند، به عنوان مثال بین سنگ‌چین با عظمت حصار (بعضی از قطعه سنگها چندین تن وزن دارند) و دقتی که در چیدن آنها به کار رفته از یک طرف و حقارت عناصر به کار گرفته شده در بنای کوچک و سایر ساختمانها از طرف دیگر، عدم تناسب نمایان است. به نظر می‌رسد آتشکده که به اعصار باستانی تعلق داشته در عصری نزدیکتر به زمان ما، یعنی عصر ساسانیان دوباره مورد استفاده واقع شده.^۱ در واقع انسان از عدم وجود تجانس و همگونی در این مجموعه سخت یک می‌خورد. بخصوص صدف غریبی باید خیلی مؤثر بر سایر قسمتها ساخته شده باشد. به عکس دیوارهای حصار، یک مجموعه لایتجزی و همسطح را تشکیل می‌دهند (آنها شامل صدف شمالی نیز می‌شوند).

معماری حصارها انسان را کاملاً تحت تأثیر قرار می‌دهد. تقابل سایه‌روشنها که آمیزه‌ای از پستی و بلندی‌ها موجد آن هستند، چشم‌انداز پدّه‌ها و طاقچه‌های تراشیده در توده‌های عظیم سنگ به تخیلات ما میدان داده و بناهای یک پارچه تمدنهای بین‌النهرین و آشور را تجسم می‌بخشند.^۲ وجود تعداد زیادی سکه‌های برنزی کوچک که در محل پیدا شده گواه بر آن است که آتیه زاپران با شور و شوق به این جا روی می‌آورده‌اند و حتی اگر آثار وجود شهر بزرگی را که بر یک بلندی رو بروی جبهه شرقی و در کنار آبراهه همین محل قرار دارد ندیده بگیریم این سکه‌ها به تنهایی کافی است نشان دهد که مسجد سلیمان بسیار مورد توجه و محل مراجعه بوده است.

در خانه خاطر نشان می‌سازیم که این آتشکده در این نواحی که فوران گاز در آنجا زیاد است منحصر به فرد نبوده و می‌گویند محل دیگری در همان نزدیکی و مشابه آن وجود دارد.

ماکسیم سپرو

ژوئن ۱۹۳۷

۱- علی الظاهر قلعه‌یان و کاخ مله گولو نیز به همین ترتیب دوباره مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

۲- به عنوان مثال حصار قصر سارگون Sargon در خورماباد

امامزاده سلطان ابراهیم (ع) :

امامزاده سلطان ابراهیم فرزند منوم امام موسی کاظم (ع) می‌باشد. امام موسی کاظم (ع) دو فرزند ذکور بنامهای ابراهیم داشته، ابراهیم اکبر (ع) و ابراهیم اصغر. ابراهیم اکبر دو نجف اشرف مدفون است و اولاد و ذریه ندارد اما ابراهیم اصغر به سیدالمرتضی شهرت دارد که همین امامزاده معروف به سلطان ابراهیم می‌باشد که اولاد و ذریه کثیری دارد.

سید ابراهیم سیدالمرتضی مرد فاضل و دانشمندی بود و روایت شده که ۷۰ رأس شعر کتابخانه او را حمل می‌کرد. در زمان خلیفه مأمون و هارون الرشید زیست می‌نمود.

امامزاده سلطان ابراهیم (ع) مادرش بنام گمینه دختر مکی، تشب به بصر روم می‌رساند که در حبشه حکومت می‌کرد. از اهل حبشه از نگارها بوده، مدت چند سال در حبشه به ارشاد مسلمانان و ترویج دین مبین اسلام فعالیت می‌نمود، اما حکومت حبشه در دست خالو دانی ایشان بوده، اما اختلاف بین دانی و خواهرزاده خود روز بروز بیشتر می‌شد. البته اختلاف نه سر قنبروت و یا حکومت بلکه بین کفر و اسلام بود که همیشه وجود داشته و دارد. این اختلافات ادامه داشت تا جایی که به زد و خورد و جنگ و جدال کشیده شد. تا اینکه دانی خود را بقتل رسانید. امامزاده سلطان ابراهیم (ع) بعد از این جنگ به نجف اشرف شرفیاب شده، چون در آن محل کاری آنچنان که به اسلام بتواند خدمت نماید وجود نداشت، لذا طی حکمی مأمور شد از طریق هویزه آن موقع که شهر و آبادانی بوده راهی ایران شود تا به برادر خود امام رضا (ع) بپیوندد یا اینکه در خوزستان کنونی به ترویج اسلام بپردازد. راهی که امامزاده ابراهیم (ع) پیموده از طریق هویزه بود. مدتی در هویزه سکونت کرد سپس به عقیلی عزم سفر نمود. در این مکان به ارشاد مردم پرداخت. امامزاده در هر مکانی که اسکان می‌یافت پس از مدتی که از آنجا عزم سفر می‌نمود شخصی را بعنوان نماینده و جانشین خویش، می‌گمارد تا راه، عقیده و آئین او را ادامه دهد و مردم را هدایت نماید.

بعدها از مکان اخیرالذکر به جایی که هم اکنون هفت شهیدان خوانده می‌شود آمد. در آنجا جنگی بین تلفریها در گرفت که منجر به شهادت ۷ تن از افراد گروه همراه امامزاده سلطان ابراهیم (ع) شد. در این رزم، تلفریها شکست خوردند و اسلام آوردند. از هفت شهیدان هم به منجلی رهسپار شد که دارای کشاورزی و باغات فراوان بوده و امروزه گلگیر می‌خوانیمش. در

اینجا جنگی رخ نداد و مردم به استقبال امامزاده آمدند و اسلام آوردند. سپس از طریق کوه‌های بین آسماری و مال‌امیر، وارد ایذج «ایذه» شد. در آن محل جنگ و جدالی پیش نیامد و به استقبال امامزاده آمدند و سلطان ابراهیم (ع) شروع به ارشاد آنها نمود و املاک آنجا را که بنام بُن‌دیران «بندان کنونی» می‌باشد وقف امامزاده نمودند که هر ساله در آمدی به آقا (ع) می‌پرداختند. پیش از سفر به سوی ایوه فعلی، پسر برادر خود را که سید صالح (ع) نام دارد به نمایندگی از طرف خود جهت ارشاد و هدایت مردم در حومه مال‌امیر گذاشته بود.

هنگامی که آن امامزاده (ع) به ایوه رسیدند، جنگی بین مردم آنجا در گرفت که منجر به شهادت چهل تن از افراد لشکر همراه امامزاده شد. آقا (ع) پس از شهادت افراد خود که محاصره شده بودند بر روی تپه‌ای رفتند و جهت دفع کفار دست نیاز به درگاه خداوند برداشت، در همین هنگام افرادی از طرف دشمن بطرفداری آقا (ع) برخاستند و با امرای خود به رزم پرداختند که منجر به شکست دشمن و پیروزی اسلام شد. پس از غسل و دفن شهدا در همان مکان، آن محل را «چهل تنان» می‌گویند.

آقا (ع) مدتها پس از این رزم‌ها جهت ارشاد مردم، ساکن آن محل شد. سلطان ابراهیم (ع) هنگامی که از نجف اشرف به ایران مأموریت یافته بودند، امام موسی کاظم (ع) چند هسته خرما به ایشان داده بودند که هر وقت در بلاد عجم که به ارشاد مردم پرداختی، یکی از اینها را در هر کجا که کاشتی، زمانی که به ثمر رسید، آن محل مسکن و مدفن تو می‌باشد. امامزاده (ع) هر چه در این راهها که می‌آمد، این هسته‌ها را می‌کاشت سبز نکردند، سپس آن مکان را ترک می‌کرد و به محلهای بعدی می‌رسید، تا جایی که نهایتاً در «کار تا» ساکن شد و هسته خرما سبز نمود.

بقعه امامزاده سلطان ابراهیم (ع) مورد احترام بختیاریهایی باشد و مردم از استانهای دیگر جهت نذر، نیاز و رفع حاجات خویش به زیارت آن می‌آیند و از ارتفاعات صعب‌العبور و دریاچه پشت سد شهید عباسپور گذشته و به این محل می‌روند. مردم قبلاً با وسیله‌ای بنام «جَرَه» به زیارت می‌آمدند. از روزگار گذشته تا کنون تعمیر بقعه و خدمتگزاری به زائرین، بر عهده سادات آن بوده است. لازم به ذکر است که سادات اینجا از دو طایفه بنامهای (شمس‌الدین و تاج‌الدین) هستند که به امامزاده تشب می‌رسانند.

همه سادات امامزاده در کلیه طوایف بختیاری اعم از چهارلنگ و هفت‌لنگ مریدان و پیروان یشماری دارند که آنها خمس مال خود را به سادات سلطان ابراهیم (ع) می‌دهند. سادات اینجا از زمانهای گذشته تا کنون از دادن هر عوارض و مالیاتی به خوانین و سلاطین، معاف بوده‌اند.

امامزاده سید صالح (ع) :

امامزاده سید صالح (ع) فرزند امامزاده سید حمزه (ع) بن امام موسی کاظم (ع) می باشد و در دوران متوکل خلیفه عباسی که مزدی ستمکار و جبار و ضدخاندان حضرت علی (ع) و ایرانیان بود می زیست. ولادت وی در شهر مدینه بوده است و به خاطر ضدیت و مبارزه شدید بین علویان و بنی عباس تمام علویان توسط عباسیان مورد تعقیب قرار می گرفته و بعد از دستگیری به شهادت می رسیدند و به این خاطر امامزادگان و علویان سعی می کردند که به بلاد عجم هجرت کنند و امامزاده سید صالح (ع) در آن زمان از شهر مدینه هرستان به ایران هجرت می نماید و اولین ملاقاتش در خوزستان با سیداحمد لصال (سید احمد فداله) می باشد و بعد از چندی اقامت در پیش آن سید، دختر مکرمه او را به همسری برمیگزیند و برای راهنمایی و ارشاد مردم شهر ایندج (ایذه) به آن دیار رهپار می شود و حاکم وقت آن دیار بنام سلطان هوشنگ اتابک که مردی زردشتی بود علیه امامزاده سید صالح مخالفت می ورزد و دستور دستگیری آن حضرت را صادر می نماید. امامزاده سید صالح (ع) که از آن دستور آگاه می شود از آن شهر بیرون می رود و شحینگان و سربازان آن سلطان ده به ده و روستا به روستا او را دنبال می نمایند تا اینکه آن حضرت به جایی می رسد که هم اکنون آن محل کتخت دار نام دارد و به این خاطر آن محل به این نام موسوم است که می گویند وقتی امامزاده سید صالح (ع) از شهر ایذه به آن محل می رسد به خاطر طولیل بودن مسیر که در حدود ۲۰ کیلومتر می شود در زیر یک درخت خشکیده بلوط (دان) می نشیند و چون آفتاب سوزان بود و آن درخت سایه ای نداشت به اراده خداوند متعال آن درخت خشکیده شکوفه می کند و سایه می گستراند و امامزاده سید صالح (ع) بعد از زدودن خشکی به بخش مرخاب کنونی می رود و در دامنه کوهی به نام «چریک» در زیر درخت سدری «کناره» می نشیند تا بلکه شب را در آنجا به سربرد. صبح روز بعد در آن مکان بود که سلطان هوشنگ اتابک ایذه با سربازان خود به آن حضرت می رسند و او را دستگیر می نمایند و امامزاده سید صالح (ع) آنها را راهنمایی و به دین مبین اسلام دعوت می کند و آن سلطان از حضرت معجزه می خواهد و به آن حضرت می گوید شما باید ما را طعام بدهید در صورتی که امامزاده (ع) تنها بود و فاقد هرگونه امکانات، تنها دیگچه ای داشت که در آن دیگچه طعام می پخت و به سلطان و سربازانش گفت هرکس که طعامی حاجت دارد در دل نیت کند، هر کدام از آنها طعامی خواستند و بعد آن دیگچه

را به پیش آورد و هر یکلا طعامی را که حاجت کرده بودند از آن امامزاده گرفتند به جزء یک نفر از آنها که رطب میخواست در صورتی که فصل رطب نبود و در آن دهار نخلی وجود نداشت و آن حضرت با عصای مبارکش به ساقه آن سدر (کنار) که در سایه آن نشسته بودند زد و فرمود ای سدر طعام این مرد یا تو است و به قدرت خداوند متعال آن سدر چنان رطب یارید که جمله همگی گفتند مرحبا! و همگی سلمان شدند از آن زمان به بعد آن درخت سدر، کنار و مرحبا نام گرفت و به دستور سلطان هوشنگ اتابک سرایی از برای آن حضرت بساختند و موافق که وفات یافتند در آن سرای به خاک سپرده شدند که آن مقبره متبرکه در بخش مرغاب در ۴۵ کیلومتری شمال خرمی شهرستان ایزد و در حدود ۶۰ کیلومتری جنوب شرقی شهرستان مسجد سلیمان واقع می باشد. امامزاده سید صالح (ع) سه پسر به نامهای سید اسماعیل، سید صدرالدین و سید محمد داشتند که سید اسماعیل و سید صدرالدین در عقب آنها فرزندان باقی است ولی سید محمد که به سید مقید معروف است در سنین جوانی به شهادت رسید و قبر مبارکش در نزدیکی شهرستان ایزد می باشد و سید اسماعیل و سید صدرالدین بعد از وفاتشان در طرفین قبر پدر بزرگوارشان مدفون می باشند.

سادات این بقعه از زمانهای گذشته تا کنون از دادن هر هوارض و مالیاتی به خوانین و سلاطین معاف بوده اند.

ضریح امامزاده سید صالح (ع) که در مقبره ایشان می باشد به همت برادران سادات بخصوص برادر سید ناصر آدینه پور که در چهارمحل بختیاری سکونت دارند، از اصفهان تهیه گردید و سپس نصب شد. در پایان جا دارد از زحمات و خدمات نامبرده تقدیر بعمل آید.

همانکون سرپرستی و نگهداری از مقبره امامزاده سید صالح (ع) و خدمتگزاری از زائران به عهده سادات امامزاده است که از نوادگان آن حضرت می باشند و سادات امامزاده سید صالح (ع) هیچگونه وابستگی به دیگر اقوام بختیاری از جمله چهارلنگ و هفتلنگ ندارند و از اصل و نسب اولاد پیامبر (ص) می باشند و از دیگر طوایف بختیاری مجزا هستند.^۱

امامزاده احمد بَلَد (ع) :

ایشان شخص مؤمنی بوده که راه فتح شوشتر را به امام حسن مجتبی (ع) نشان داد و شهر شوشتر بواسطه راهنمایی وی، فتح گردید و هُرمزان دحا کم شوشتر، دستگیر شد. نامبرده بخاطر این خدمت شایسته، قابل احترام گشته و مقبره او در احمد آباد دور آب از بخش اندیکا می باشد که خود، زیارتگاهی است.

نظر سید علی کرم نبوی^۱ واجع به امامزاده احمد بلد (ع) : من خودم تذکره امامزاده احمد بلد (ع) را دیدم و آن تذکره اکنون در دست یکی از سادات فامیل بنده که در ایذه ساکن است می باشد. در آن شجره نامه آمده است که احمد بلد (ع) فرزند کوچک حضرت امام موسی کاظم (ع) و برادر امام رضا (ع) می باشد و همیشه همراه امام رضا (ع) در سفر بوده و در آن تذکره آمده است که به این جهت لقب بلدی را گرفته است که راهنمای امامان و امامزادگان دیگر بوده و به این دلیل همه مشایخ احمد بلد (ع) را «بلدی» می نامند زیرا آنها به این امامزاده تشب می رسانند. چشمه ای در نزدیکی امامزاده شاه ابوالقاسم لالی وجود دارد که این چشمه از معجزات احمد بلد (ع) می باشد و به همین نام یعنی «چشمه احمد» معروف است.

چندین سال پیش دو نفر از اهالی منطقه که اکنون در قید حیات می باشند و برای ما کتیب ناحیه دور آب شناخته شده هستند و برای حفظ ثبوتات از بردن نام آنها خودداری می گردد، به قصد بردن وسایل داخل امامزاده وارد حرم مطهر می شوند و اشیاء درون امامزاده را به دوش می گیرند که به خانه ببرند و آنها نصف شب که این محل را مرتکب شدند تا صبح الاابه روی دوش آنها بوده و مرتب اطراف امامزاده می چرخیدند و تا ظهر فردای آن شب، هر دو مرد کور شده بودند و اراده از خود نداشتند تا اینکه تمام مردم متوجه شدند بعد از چند سال یکی از آنها پس از مدتها استغفار، آمرزیده شد و چشمهایش روشن شد، ولی اکنون در حال فقر بسر می برد اما یکی دیگر از آنها هنوز همانطور کور مانده است.

۱- یکی از سادات جلیل القدر و مؤمن و نصیح الکلام امامزاده شاه ابوالقاسم لالی «شاه مال بابادی» بود ایشان با خانواده آیت الله شریعتداری و سایر علمای قم از قیاط داشته است. او در بین مردم بسیار مورد احترام و تکریم است و مردم به ایشان، خمس خود را می دادند.

یکی دیگر از معجزات امامزاده کلخنگ می باشد. درخت کلخنگ که در دیوار امامزاده سبز است و اصلاً ریشه‌ای در زمین ندارد. همیشه در تمام طول سال سبز و خرم می باشد و طبق جستجو و کاوشی که شده، اصلاً ریشه‌ای در خاک ندارد و میوه هم می دهد و آن دسته از زائرانی که نیتی دارند از میوه اش می برند و جهت شفا و حاجت خود، این را نیز یکی از برکات آن امامزاده می دانند.

بیمکارها این امامزاده را احرام می نمایند و جهت نذر، نیاز و رفع حاجت به زیارت آن می آیند.

شیخ های اینجا از خوانندگان عزیز می خواهند که بخاطر تخریب هم که شده، سری به باغهای باصفای دروآب بزنند تا از نزدیک طبیعت سرسبز و خرم اطراف امامزاده احمد بلند (ع) را خصوصاً در فصل تابستان مشاهده نمایند و حظ ببر کنند.^۱

بخش دوم

اوضاع تاریخی مسجد سلیمان

۱ - مسجد سلیمان در چهارده الی پانزده هزار سال قبل از میلاد مسیح:

پروفسور رمان گیرشمن باستان‌شناس معروف فرانسوی در سال ۱۳۳۴ پس از یک سری حفاری در مسجد سلیمان و حوالی آن، در ۲۵ کیلومتری منطقه لالی در محلی بنام پیده^۱ به غاری برخورد نمود که افرادی بیش از چهارده الی پانزده هزار سال قبل از میلاد در آنجا سکونت داشته‌اند. اسکلت‌های آنان روی هم انباشته شده است. با احتمال قوی، قومی که در نزدیکی غار پیده لالی و در اشکنت‌های اطراف آن سکونت گزیده‌اند، از اقوام آریایی ایرانی‌الاصل بوده که در زمانهای گذشته بصورت پراکنده و هشیره‌ای در این سرزمین پهناور زیست می‌نمودند. از این آثار در کوه‌های بختیاری بسیار است که متأسفانه تاکنون کشف آنها بعلت صعب‌العبور بودن راهها و نبودن امکانات ميسر نگردیده و تا بحال بصورت بکر و دست‌نخورده باقی مانده است، مثل دهفت دختران، در زردکوه یا غار عروس، در دامنه کوه منار.

بطور خلاصه مسجد سلیمان فعلی مقر حکومت‌نشین آریایی‌های ایرانی‌الاصل بوده و هر قومی که در خوزستان به حکومت رسیده است، برای اولین بار در این شهر سکونت داشته‌اند و چون وضعیت آب و هوای آن مناسب حال اقوام گذشته نبوده و پس از مدت کوتاهی حکومت، این محل را ترک و بجای خوش آب و هوای بهتری کوچ کرده و این شهر را تخلیه نموده‌اند. اگر ما اسکلت‌هایی که در غار پیده و بتهایی که در پایین قلعه دلا وجود دارند را مورد بررسی تاریخی

قرار دهیم، خواهیم دید که این شهر بیش از تاریخهای مذکور سابقه تمدن دارد و به همین سبب بوده که همیشه مورد تهاجم اقوام دیگر بوده است.

۲ - مسجد سلیمان در زمان پیشدادیان؛

این شهر در زمان پیشدادیان، کیومرث، طهمورث، هوشنگ، جمشید و سایر پادشاهان قدرتمند پیشدادی، مدتی نیز پایتخت آنان بوده است. در مسجد سلیمان بوده که هوشنگ پیشدادی در اثر برخورد دو سنگ چسبانی بهم و بعلت نشت گاز در سطح زمین شعله آتش برافروخته شد و از آن تاریخ تا کنون بوجود آمدن آتش را به این پادشاه پیشدادی نسبت می دهند.

متأسفانه چون مسجد سلیمان از نظر کم آبی و نداشتن زمینهای زراعتی و نشت گاز، مناسب زندگی نبود، به شوشتر رفته و بنای آن شهر را گذاشته اند. سپس بسوی شوش که از نظر اقلیمی نیز مناسب تر بوده، رفته و آنجا را هم بنا نهادند. پس این دو شهر در زمان پیشدادیان ساخته شده. هوشنگ پیشدادی نقشه شهر شوش را به شکل پرندهای بنام باز ساخته و نقشه شهر شوشتر را هم بصورت اسب طرح کرده است.

۳ - مسجد سلیمان در زمان کیانیان؛

این شهر نیز بعلت وضعیت جغرافیایی خاصی که در آن زمان داشت، مدتی مرکز حکمرمایی پادشاهان کیانی بوده و کاخهایی نیز در این شهر ساخته اند که بر اثر هجوم اقوام دیگر خراب و ویران شده و هر قومی بنا به سلیقه خویش آنها را بازسازی کرده است. حکومت این قوم بیشتر در رامهرمز که در آن زمان سنگان نامیده می شده و اینچ و سوسن بوده است. اکثر مجسمههایی که در دامنه کوههای بختیاری دلا، گنجه، تارازه وجود دارد، به این قوم پر قدرت ایرانی نسبت داده شده اند.

۴ - مسجد سلیمان در زمان ایلامها (عیلامها)؛

این شهر مدت زیادی مقر حکومت قوم ایلام (عیلام) بوده است، بعلت وضعیت توپوگرافی خاصی که این شهر داشته از یکطرف به سلسله جبال زاگرس و از دو طرف دیگر به لرستان و مرستان محدود می شده و از طرفی چون ایلامها برخلاف سایر اقوام بیشتر دوست داشتند که در کوهستانها زندگی کنند؛ بنابراین پیش از این در این کوههای شمس، پیون و سوسن که شوشیانای کبیر خوانده می شد ساکن بودند. این قوم نیز در شوش و هفت تپه نیز مدت زیادی حکومت نمودند و ساختمانهای زیادی در شوش، شوشتر و اهواز ساخته اند که هنوز آثار و بقایای آنها در اطراف شهرهای مزبور موجود است.

۵ - مسجد سلیمان در زمان سیماش،

این قوم که هم اکنون به قوم بختیاری معروف است در حدود ۱۸۵۰ء الی ۱۹۲۰ء سال قبل از میلاد و شاید پیش از تاریخهای مذکور وجود داشته است. زیرا قبل از قوم ایلماتیها، در دامنه های کوههای زاگرس سکونت داشتند و حکومتی را بنام سیماشکی تشکیل دادند و تا زمان قوم ماد نیز این قوم در دامنه های زاگرس حکومت می کردند و حدود حکفرمایی آنها نیز از مسجد سلیمان تا باؤفت بوده است.

۶ - مسجد سلیمان در زمان ایلماتیها،

این قوم نیز مدت کوتاهی در این شهر حکومت کردند و مقر حکومت آنها پیشتر در دامنه های زاگرس، چلو، باؤفت، اندیکا و کوه سفید بوده است. این قوم مدت زیادی حکومت نمودند. آثار و بقایای تاریخی آنها، مجسمه هایی بودند که چندسال پیش در نزدیکی شیرین بهار و شببارا بین چلو و باؤفت در دامنه کوه تراز توسط اداره میراث فرهنگی کشف و ضبط گردیده است.

۷ - مسجد سلیمان در زمان قوم ماد،

قوم ماد هم یکی از اقوام قدیمی آریائیها است که در اکثر بلاد ایران بصورت چهار طایفه پراکنده بودند و از آریائیهای مهاجری هستند که از سرزمینهای یخبندان سیبری شوروی به قفقاز آمده و از آن طریق وارد خاک ایران شدند. این قوم مدت زیادی در ایران حکومت نمودند و در شهرهای مختلف این مملکت، کاخها ساختند و پایتخت خود را همدان قرار دادند و سپس به شوش آمدند و در این شهر هم کاخهای مجللی بنا نهادند، سپس مدت بسیار کوتاهی هم در مسجد سلیمان، ایذه، رامهرمز نیز سکونت نمودند، ولی به علت نبودن امکانات در آن روزگار، در این شهرها نماندند و مجدداً به شوش رفتند. ناگفته نماند که کلیه شهرهای خوزستان و شاید بهتر بتوان گفت تمام آسیای صغیر و خاورمیانه تحت تصرف و حکمرمایی این قوم پر قدرت بوده است. در شهرستان مسجد سلیمان تا دامنه های کوههای زاگرس آثار زیادی از این قوم قدرتمند مشاهده می شود که اقتدار و جهانگیری آنان را به اثبات می رساند.

۸ - مسجد سلیمان در زمان پارس ها،

در فاصله اواسط سده نهم تا اوایل سده هفتم قبل از میلاد مسیح، قومی آریایی بنام پارس ها، پس از طی کردن سرزمینهای یخبندان سیبری شوروی از کوههای قفقاز گذشته و در سواحل دریاچه ارومیه سکونت گزیدند. پس از مدت کمی که در آن محل بودند از آنجا نقل مکان نمودند و پس از گذشتن از کوههای بلند و سر به فلک کشیده زاگرس، در سرزمین بختیارها که بله ها و صخره های بلندی داشت ساکن شدند. مسجد سلیمان کنونی از جمله مناطقی بود که در آن مسکن